

احمد حسن دینانی  
عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

# ارزیابی برنامه‌های درسی رشته کتابداری در سطح کارشناسی

مسائل احتمالی آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی که به صورت ۱۲ پرسش مطرح شده بود بسیار متنوع بودند و پاسخگویی به یکایک آنها به دلیل محدودیت صفحات مجله، عدم احاطه اینجانب بر بعضی از آنها، و فرصت کمی که در اختیار داشتیم میسر نبود، لذا به جای پرداختن به تک‌تک آنها به مورد اول که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود پرداختم و ضمن توصیفها و توضیحات ارائه شده در این مورد، به طور ضمنی به چند پرسش دیگر نیز پاسخ داده شده است. برای پاسخ به پرسش اول، برنامه رسمی کارشناسی کتابداری مبنای کار قرار گرفته و چهار موضوع: نیروی انسانی، متون درسی، محتوای دروسهای تخصصی و دروسهای گرایشها مورد توجه قرار گرفتند. در پایان نیز برای هر مورد پیشنهادهای مشخصی ارائه شده است.

چون مقایسه دست‌آوردهای یک برنامه با اهداف از قبل تعیین شده ارزیابی نامیده می‌شود، مناسب است که در ابتدا جمله‌ای را که با عنوان «تعریف و هدف» در مشخصات کلی، برنامه و سرفصلهای دروس دوره کارشناسی کتابداری مصوب ۱۳۶۷ آمده است ذکر نمایم. در آن متن چنین آمده است:

## تعریف و هدف

هدف از تدریس دروس کتابداری در سطح کارشناسی آشنا ساختن دانشجویان است با اهمیت نقش کتابخانه در گسترش فرهنگ و علوم و فنون در جامعه و آماده ساختن آنها جهت کار در انواع مختلف کتابخانه‌ها و ایجاد مهارتهای لازم در انجام این امور...

همان‌طور که مشاهده می‌شود در بند بالا چیزی به عنوان تعریف وجود ندارد و واژه تعریف در عنوان زیادی است. جمله‌پردازی این بند به گونه‌ای است که شما نیز چون من خواندن آن را دشوار یافته‌اید و احتمالاً مجبور بوده‌اید آن را بیش از یک بار بخوانید. شاید شما نیز ترجیح می‌دادید به جای «اهمیت نقش کتابخانه...»، به «اهمیت کتابخانه...» اکتفا می‌شد. بعلاوه، متوجه شده‌اید که دو کلمه «این امور...» در آخر بند مرجع مشخصی ندارد. علی‌رغم ابهامات موجود در هدف می‌توان بر سه گروه فعالیت انگشت گذاشت و آنها را راهنمای کلی فعالیتهای آموزشی گروههای کتابداری تلقی کرد.

— اهمیت کتابخانه در گسترش فرهنگ و علوم و فنون در جامعه.

— آماده ساختن دانشجویان جهت کار در انواع مختلف کتابخانه‌ها.

— ایجاد مهارت‌های لازم در انجام این امور (احتمالاً: مجموعه‌سازی، سازماندهی، ارائه خدمات، و اشاعه اطلاعات).  
 کمیته تخصصی کتابداری و اطلاع‌رسانی که اهداف بالا را برای گروه‌های آموزشی تعیین کرده برای دایر کردن دوره کارشناسی کتابداری حداقل شرایط و امکانات زیر را لازم دانسته است.

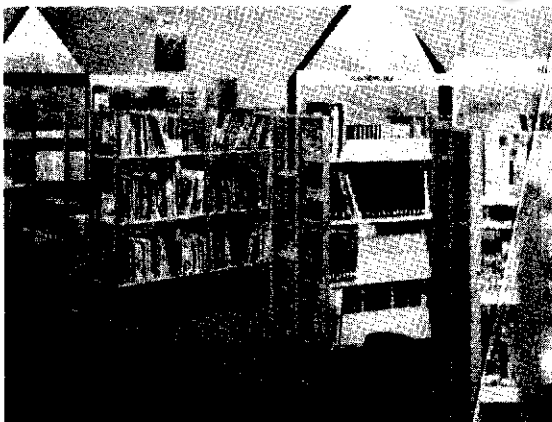
۱. سرپرست گروه یا حداقل مرتبه استادیاری
  ۲. استادیار تمام وقت به ازای حداقل هر ۲۰ دانشجوی یک نفر
  ۳. مربی تمام وقت به ازای حداقل هر ۱۰ دانشجوی یک نفر
  ۴. کتابخانه مجهز و منابع ضروری آموزشی
  ۵. آزمایشگاه مجهز کتابداری و وسایل کمک آموزشی
- گرچه اندازه‌گیری دست‌آورد‌های منظور شده در هدف به دلیل کیفی بودن آنها براحتی قابل اندازه‌گیری نیست، ولی شرایطی که برای راه‌اندازی دوره قائل شده‌اند به گونه‌ای کمی اندازه‌پذیر است و عدم مراعات یا عدم دستیابی به آن آشکار است. در شهر تهران که مرکزیت فعالیت‌های علمی را به خود اختصاص داده چهار گروه آموزشی دانشگاه تهران، الزهراء، علامه طباطبائی و دانشگاه علوم پزشکی تهران واجد اولین شرط دایر بودن رشته یعنی «سرپرست گروه با حداقل مرتبه استادیاری» نیستند. این امر در مورد دو گروه آموزشی تبریز و اصفهان نیز صادق است. به بیان دیگر از نه گروه با مرتبه استادیاری هستند. اما هیچ یک از گروه‌های آموزشی مستقر در تهران و شهرستانها به دو شرط دیگر دایر بودن رشته یعنی «به ازای حداقل هر ۲۰ دانشجوی یک نفر

استادیار تمام وقت و به ازای حداقل هر ۱۰ دانشجوی یک مربی تمام وقت» دست نیافته‌اند.

بدین ترتیب پس از پنج سال از تصویب و اجرای برنامه هنوز هیچ یک از گروه‌های کتابداری به حداقل پیش‌بینی شده در مورد نیروی انسانی مدرس دست نیافته است. اگر مدرسان را مهمترین عامل کیفیت تدریس تلقی کنیم، در آن صورت کیفیت تدریس کتابداری در سطح کارشناسی زیر حداقل تعیین شده است. نکته قابل توجه اینکه این زیر حداقل نیروی انسانی گروه‌های کتابداری عهده‌دار اداره و تدریس برنامه‌های آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی و برنامه‌های آموزشی کتابداری سازمان‌های دولتی مانند کتابخانه ملی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه آزاد اسلامی، آستان قدس رضوی و شورای کتاب کودک، کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی نیز می‌باشند و در مواردی به جای اعضای هیئت علمی که به تحصیل اشتغال دارند تدریس می‌کنند. اسف‌بارتر اینکه فارغ‌التحصیلان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی ایران نیز سخت در تلاش‌اند تا با محدودترین امکانات، گروه‌های کتابداری جدیدی به گروه‌های قبلی بیفزایند. نمونه‌ای از این موارد در سمینار کتابداری و اطلاع‌رسانی اصفهان رخ نمود و نمونه دیگر آن در سمیناری که با همین نام در سال ۱۳۷۳ در کرمان دایر خواهد شد رخ می‌نماید.

موارد بالا این نکته را آشکار می‌سازد که روند دایر کردن گروه و پذیرش دانشجوی به لحاظ نیروی انسانی مدرس در پنج سال گذشته بسیار نامطلوب بوده است و ادامه آن بویژه در دانشگاه‌های علوم پزشکی، می‌تواند کیفیت آموزشی کتابداری را جداً به مخاطره اندازد.

یکی از پیامدهای کمبود نیروی انسانی و درگیری همین نیروی کم در تعداد زیادی برنامه درجه‌های غیر از گروه آموزشی، عدم تولید کتاب درسی است. وضعیت کتاب‌های درسی ۱۹ عنوان



دروس تخصصی کتابداری در جدول زیر مشخص شده است:

منابع:	متن درسی	مقدمات کتابداری
کتاب سیر کتاب در ایران	شناختی از دانش شناسی ابرامی	مجموعه سازی ۱ و ۲
کتابخانه‌های ایران و مقدمه‌ای درباره کتابخانه‌های قدیم	انتخاب کتاب سینائی	سازماندهی مواد ۱ و ۳ و ۴
خدمات کتابخانه و پیشرفتهای ملی	مقدمه‌ای بر خدمات مهرداد	مرجع شناسی عمومی
خدمات کتابخانه و پیشرفتهای ملی	مرجع	لاتین و تخصصی
نشریات در کشورهای مستضعف	مبانی مرجع	اصول کار مرجع
وسایل و تجهیزات کتابخانه	دیانی و معرف زاده	
کتابخانه آموزشی گاهی		

- مواد و خدمات کتابخانه
- برای کودکان، نوجوانان و نوسوآدان
- مواد سمعی و بصری
- ساختمان و تجهیزات کتابخانه
- تاریخچه کتابخانه
- اداره کتابخانه
- کتابشناسی
- گزارش نویسی
- آیین گزارش نویسی عباس حری

همان طور که در بالا مشخص است ظاهراً برای پنج درس از ۱۹ درس، کتاب درسی مشخص داریم. البته ممکن است در مورد کتاب درسی همین چهار درس نیز توافق جمعی حاصل نشده باشد و برای تدریس آنها همانند سایر دروس به انتخاب مدرس بخشهایی از کتابهای موجود و یا مقالات مرتبط با دروس یا جزوات تدریس شود. نبود کتاب درسی مشخص و عدم تناسب سرفصلهای دروس کتابداری با منابعی که برای هر درس در کتاب سرفصلها معرفی شده است، امکان دستیابی به نتایج مشخصی از برنامه آموزشی کتابداری را غیر ممکن ساخته است. در زیر سه مورد از سرفصلها و منابع مشخص شده برای آنها به عنوان نمونه عرضه شده است.

سرفصل مقدمات کتابداری: ۳ واحد  
 تعاریف و مفاهیم کتاب و کتابداری - کتابخانه: اهداف و وظایف آن، اشاره مختصری به انواع کتابخانه‌ها و خدمات آنها - بازدید از انواع کتابخانه (ملی، عمومی، دانشگاهی، تخصصی) - رابطه کتابخانه با سایر سازمانها و نهادها - آموزش کتابداری و تأثیر آن بر گسترش کتابخانه - نقش کتابخانه در جامعه - سازمانهای حرفه‌ای کتابداری





مقایسه سرفصلها با محتوای منابع آنها ناهمخوانی آشکاری را به نمایش می‌گذارد و مدرس را به چاره‌جویی وامی دارد. پیامد طبیعی چنین وضعیتی این است که برای درسی واحد در گروه‌های متفاوت و حتی در یک گروه آموزشی متفاوتی متناسب با ذوق، سلیقه و دانش مدرس تدریس شود. در نتیجه، هیچ دلیلی در دست نیست که فارغ‌التحصیلان رشته به حداقل مهارت‌های مشخص یکسانی دست یابند. جلوه‌ای از این مورد در قبولی‌های کارشناسی ارشد رخ می‌نماید. پرسش‌های مطرح شده در امتحان از متون نامشخص مطرح می‌شود که گروه مشخصی از دانشجویان آنها را مطالعه کرده‌اند و در نتیجه کمتر اتفاق می‌افتد که فارغ‌التحصیلان دیگر گروه‌های آموزشی به دوره کارشناسی ارشد راه یابند، و یا کمتر اتفاق می‌افتد که فارغ‌التحصیلان گروه‌های مختلف آموزشی در محیط کار ارزشها و مهارت‌های مشابهی به نمایش بگذارند و محیط مناسبی برای رشد عملی کتابداری فراهم سازند.

نکته قابل توجه دیگر عدم تزریق خون تازه در رگ‌های درس‌های اختصاصی کتابداری است. مقایسه درس‌های دوره کاردانی مصوب ۱۳۶۱ و درس‌های دوره کارشناسی مصوب ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که درس‌های کاردانی قدری کش داده شده‌اند تا برنامه دوره کارشناسی به ۱۴۵ واحد برسد. این نکته از مقایسه درس‌های اصلی دوره کاردانی و دوره کارشناسی که در زیر فهرست شده‌اند به خوبی نمایان می‌شود:

واحد	کاردانی
۳	کتابخانه و کتابداری
۲	خدمات عمومی
۳	مجموعه سازی
۶	آماده سازی مواد ۱ و ۲
۴	مواد مرجع ۱ و ۲

واحد	کارشناسی
۳	مقدمات کتابداری
۲	تاریخچه کتابخانه و کتابداری
۲	مجموعه سازی (۱)
۲	مجموعه سازی (۲)
۱۲	سازماندهی مواد ۱، ۲، ۳ و ۴
۱۳	مرجع شناسی عمومی، لاتین تخصصی، اسلامی، کتابشناسی اصول کار مرجع

چنانچه مطلب بالا را به زبانی دیگر بیان داریم ابعاد مسأله‌ساز این برنامه بهتر نمایان می‌شود. در برنامه دوره کاردانی

منابع:	بخشی از کتاب
خدمات فنی	مقاله
حروف چینی دستی	مقاله
حروف چینی ماشینی	مقاله

سرفصل مواد و خدمات کتابخانه برای بزرگسالان نوسود: ۲ واحد  
هدف: آشنایی کلی با نیازهای خواندنی نوسودان و شیوه ارائه خدمات.

شناخت جامعه نوسود شهری و روستایی - آشنایی با شیوه‌ها و مراکز مختلف سوادآموزی نظام آموزش غیررسمی برای نوسودان - خواندنی‌های نوسودان و مراکز تولید و نشر این مواد - شیوه‌های ساده تولید مواد خواندنی - شیوه‌های جذب نوسودان به کتابخانه (تهیه فهرست مواد خواندنی بعدی نوسودان - ترتیب نمایشگاه و تبلیغات، راهنمایی مراجعه کنندگان نوسود در امر مطالعه.



منابع:	برنامه ریزی آموزش سواد تابعی در آسیا
مقاله	به سوی سوادآموزی علمی
مقاله	آموزش پایه بزرگسالان
مقاله	روش‌های سوادآموزی بزرگسالان
مقاله	کتابشناسی خواندنی‌های ساده
مقاله	مقدمه‌ای بر آموزش مداوم
مقاله	نگاهی به سوادآموزی در کشورهایی که انقلاب کردند
مقاله	کتابخانه در خدمت محرومین اجتماع
مقاله	فلسفه خدمات کتاب برای همه
مقاله	نقش کتابدار در آموزش بزرگسالان
مقاله	رسانه‌های چندگانه در خدمت مردم

شدن مطلب در زیر دروس دو گرایش عرضه می‌شود:

علوم انسانی و اجتماعی	علوم پایه
مبانی سازمان و مدیریت	تاریخ صنایع و اختراعات
مبانی علم حقوق	تاریخ علوم پزشکی
مبانی تاریخ اجتماعی ایران	ریاضیات عمومی
جغرافیای شهری و روستاشناسی	فیزیک عمومی
کلیات علم اقتصاد	شیمی عمومی
روانشناسی کودک و نوجوان	آمار و احتمالات مقدماتی
آمار و احتمالات مقدماتی	فیزیولوژی عمومی
تاریخ ادیان	زیست شناسی
تاریخ هنر	مبانی کامپیوتر و برنامه‌نویسی
مبانی کامپیوتر و برنامه‌نویسی	برنامه‌نویسی کاربردی

به گونه‌ای که در بالا آمده است بین دروس هر گرایش ارتباط درونی برقرار نیست و جز دو درس کامپیوتر در گرایش علوم پایه، محتوای هر درس منفک از سایر دروس و نه به عنوان جزئی از یک کل در نظر گرفته شده است. بعلاوه، محتوای هر درس بدون توجه به هدف گرایش، تواناییهای دانشجویان، و امکانات آموزشی شکل گرفته است.

در دانشگاه شییکاگو که برای اولین بار فکر کتابداری یا گرایش مطرح شد برای هر درس گرایش هدفی مشخص شد، سرفصلهایی تعیین گردید و برای هر درس کتابی متناسب تألیف شد. اما محتوای دروس گرایش، بویژه گرایش علوم پایه، بدون هیچ گونه طرح قبلی و تنها براساس مطالب کتابهای دروس عمومی رشته‌های علوم شکل گرفته است. بدترین مثال در این مورد سرفصلهای درس ریاضیات عمومی است که برای عینیت بخشیدن به موضوع در زیر ذکر می‌شود:

#### ریاضیات عمومی، ۳ واحد

هدف: آشنایی با مباحث مقدماتی علوم ریاضی و زبان علم. ریاضیات به طور عام، تغییر مکان بدون حرکت، قطعه‌های کوتاه در حساب عالی، زبان مجموعه‌ها، تابع چيست، مقدمات جبر مجرد، تقارن، مفهوم گروه، اصول موضوع، شمارش و متناهی و نامتناهی، توپولوژی، نیروی تفکر غیر مستقیم، آنالیز حقیقی، نظریه احتمال، کامپیوتر و موارد استعمال آن، کاربردهای ریاضیات جدید، ناوردهای توپولوژیک، توپولوژی جبری، بدون ابرفضا، جبر خطی.

تذکر مبانی: پانزده موضوع از موضوعات فوق می‌بایستی تدریس گردد.

نمی‌دانم شما چه مقدار با ریاضیات سر و کار دارید، یا چه مقدار با عناوین علمی بالا آشنا هستید. اما گمان می‌کنم می‌توانید

مصوب سال ۱۳۳۶، ۶ واحد از دروس علمی (۳۲۴ ساعت کارورزی) بودند در حالی که در برنامه کارشناسی پیوسته مصوب سال ۱۳۵۱، ۳۴ واحد از دروس عملی هستند. از این تعداد ۶۸۰ ساعت دروس عملی و ۸۵۳ ساعت کارورزی می‌باشند.

برای اینکه بتوان به کیفیت تدریس این ۳۴ واحد عملی پی برد، چهار نکته زیر باید مدنظر باشد.

۱. در ابتدای این بحث نشان داده شد که کمیت و کیفیت نیروهای انسانی گروههای آموزش چه مقدار زیر حداقل لازم برای راه اندازی برنامه آموزشی است.

۲. طبق مصوبه، احتساب دروس موظف و حق التدریس دروس کارآموزی نمی‌تواند در صورت دروسهای حق التدریس محاسبه شود. به بیان دیگر بابت کارهای مربوط به دروس کارورزی حق التدریس پرداخت نمی‌شود و مدرس انگیزه‌ای برای جدی گرفتن آنها در اختیار ندارد.

۳. در کتاب سرفصلها حداقل شرایط و امکانات لازم برای دایر کردن دوره (۱) کتابخانه مجهز و منابع ضروری آموزشی (۲) آزمایشگاه مجهز کتابداری و وسایل کمک آموزشی قید شده است.

۴. بسیاری از گروههای آموزش نه تنها کتابخانه و آزمایشگاه مجهز کتابداری ندارند بلکه، به کتابخانه‌هایی که در آنها حداقل یک نفر کارشناس کتابداری به کار اشتغال داشته باشد نیز دسترسی ندارند و اگر هم دسترسی داشته باشند، آن کارمند به چه انگیزه‌ای باید به خود زحمت دهد و هر نیمسال بر کار چند دانشجوی کارورز نظارت کند.

اندکی دقت در چهار مورد بالا کاملاً وضعیت و کیفیت ۳۴ واحد دروس عملی کتابداری را مشخص می‌سازد و جای شکی در مورد عدم مطلوبیت کیفیت دروس عملی کتابداری باقی نمی‌گذارد.

نکته قابل توجه در برنامه کارشناسی کتابداری گرایشهای متفاوت است. این مورد می‌توانست نکته مثبتی برای برنامه تلقی شود، اما به دو دلیل دستیابی به اهداف گرایش میسر نمی‌شود:

۱. دروسهای گرایش فاقد ارتباط و نظم درونی هستند.
۲. محتوای دروس گرایش با هدف برنامه، تواناییهای دانشجویان و امکانات آموزشی همخوانی ندارد. برای ساده‌تر





حدس بزنید که تدریس ۱۵ عنوان از موارد بالا در حداکثر ۱۴ جلسه‌ای که در هر نیمسال تشکیل می‌شود به دانشجویان تحصیل کرده در رشته‌های علوم انسانی چه نتیجه‌ای به بار می‌آورد. تجربه چندین ساله مشخص ساخته است که سرفصلهای دروس فیزیک عمومی، ریاضیات عمومی و شیمی عمومی بسیار سنگین است و غیر مفید برای دانشجویان کتابداری است. محتوای این دروس باید بر دانش عمومی دانشجویان کتابداری بیافزاید، نه اینکه دانش تخصصی مناسب دانشجویان رشته‌های فیزیک، ریاضیات و شیمی را به زور وارد ذهن دانشجویان کتابداری کند.

چند نکته دیگر در مورد دروسهای گرایش علوم انسانی و علوم پایه این است که (۱) برای بعضی از این دروس نمی‌توان مدرسی پیدا کرد، تاریخ هنر و تاریخ صنایع و اختراعات دو نمونه برجسته از این دروس هستند. (۲) مشخص نیست که چرا دانشجویان گرایش علوم انسانی ۳ واحد درس کامپیوتر و دانشجویان علوم پایه ۶ واحد درس کامپیوتر دارند. گمان نمی‌کنم که کار کردن با کامپیوتر در کتابخانه‌های علوم انسانی و علوم پایه تفاوتی داشته باشد. (۳) مشخص نیست که چرا دانشجویان علوم انسانی ۶ واحد درس مدیریت و دانشجویان علوم پایه ۳ واحد درس مدیریت دارند. گمان نمی‌کنم مدیریت کتابخانه‌های علوم و کتابخانه‌های علوم انسانی چنین نیازی را تحمیل کرده باشند. طی مذاکراتی که با مدرسان و دانشجویان دانشگاه‌های تهران، تبریز و اهواز در مورد درس کامپیوتر داشته‌ام مشخص شد که درس کامپیوتر در دانشگاه تهران توسط لیسانسیه‌ای غیر کتابدار به صورت نظری تدریس می‌شود و دانشجویان امکان دسترسی به کامپیوتر و لمس کلیدهای آن محروم است. در دانشگاه تبریز در یک نیمسال ۱۷ دانشجویان درس کامپیوتر نمره‌ای کمتر از ۱۰ گرفته‌اند زیرا مدرس، درس زبان C را به عنوان مبانی کامپیوتر تدریس می‌کرده است. در دانشگاه اهواز مبانی کامپیوتر و زبان بیسیک و برنامه CDS-ISIS توسط مدرّس کتابدار تدریس می‌شود. در حالی که در فصلهای دروس کامپیوتر زبان فرتن و زبان کویول توصیه شده است. به یقین هریک از گروه‌های آموزشی برای آنچه می‌کنند دلیلی عرضه خواهند کرد، اما دور شدن از سرفصلها و ناهماهنگی در دور شدن از سرفصلها نشان دیگری از عدم دستیابی برنامه به اهداف از قبل تعیین شده است.

مواردی که تا به حال مورد توجه قرار گرفت نشان داد که نتیجه ارزیابی برنامه آموزشی مطلوب نیست و پرداختن به تغییرات در زمینه‌های متفاوت ضروری است. حداقل تغییراتی که پرداختن به آنها از اولویت برخوردار است عبارتند از:

۱. ممانعت جدی از راه‌اندازی گروه آموزشی جدید در دوره

کارشناسی کتابداری و تأکید بر حداقل استاندارد مندرج در برنامه آموزشی.

۲. تقویت گروه‌های آموزش جدید از طریق استخدام نیروهای جدید، ارتقای سطح علمی اعضای هیئت علمی فعلی و کاستن از تعداد دانشجویان.

۳. فراهم آوردن شرایط لازم برای تألیف و تولید کتابهای درسی کتابداری از طریق (۱) پرداخت حق التألیف برابر با حق التدریس و (۲) عدم تأکید بر تطابق محتوای کتاب درسی با سرفصلهای مصوب و توجه به ضرورت تغییر و ضرورت نوآوری در محتوای دروسها.

۴. حمایت ضمنی از کتابهای درسی و کمک درسی موجود از طریق انتشار فهرست منابعی که در امتحانات دوره بالا تر مورد توجه قرار خواهند گرفت.

۵. تشکیل کمیته‌ای از متخصصان رشته‌های علوم و کتابداری برای پرداختن به محتوای دروس گرایشهای موجود در رشته کتابداری.

۶. ایجاد تغییرات زیر در دروسهای دوره کارشناسی کتابداری:  
الف. گزارش نویسی حذف و به جای آن سه واحد درس روشهای تحقیق در کتابداری اضافه شود.

ب. مرجع شناسی تخصصی در دو درس مرجع شناسی عمومی فارسی و لاتین ادغام شود و به جای آن درس پایگاههای اطلاعاتی گنجانده شود.

ج. تاریخچه کتابخانه در مقدمات کتابداری ادغام شود و به جای آن مبانی و تاریخچه اطلاع‌رسانی گذارده شود.

د. کتابشناسی در دروسهای مرجع شناسی عمومی فارسی و لاتین و اصول کار مرجع ادغام شود و به جای آن نمایه‌سازی و چکیده نویسی گذارده شود.

ه. چهار واحد از کارآموزیها حذف شود و به جای آن پایان‌نامه گذارده شود.

و. تاریخ صنایع و اختراعات حذف شود و به جای آن سه واحد درس کامپیوتر دیگر علاوه برشش واحد فعلی اضافه شود.

ز. تاریخ علوم پزشکی به تاریخ و فلسفه علوم تغییر یابد (سرفصلهای این درس تاریخ فلسفه علوم است، فقط نام آن تاریخ علوم پزشکی است).

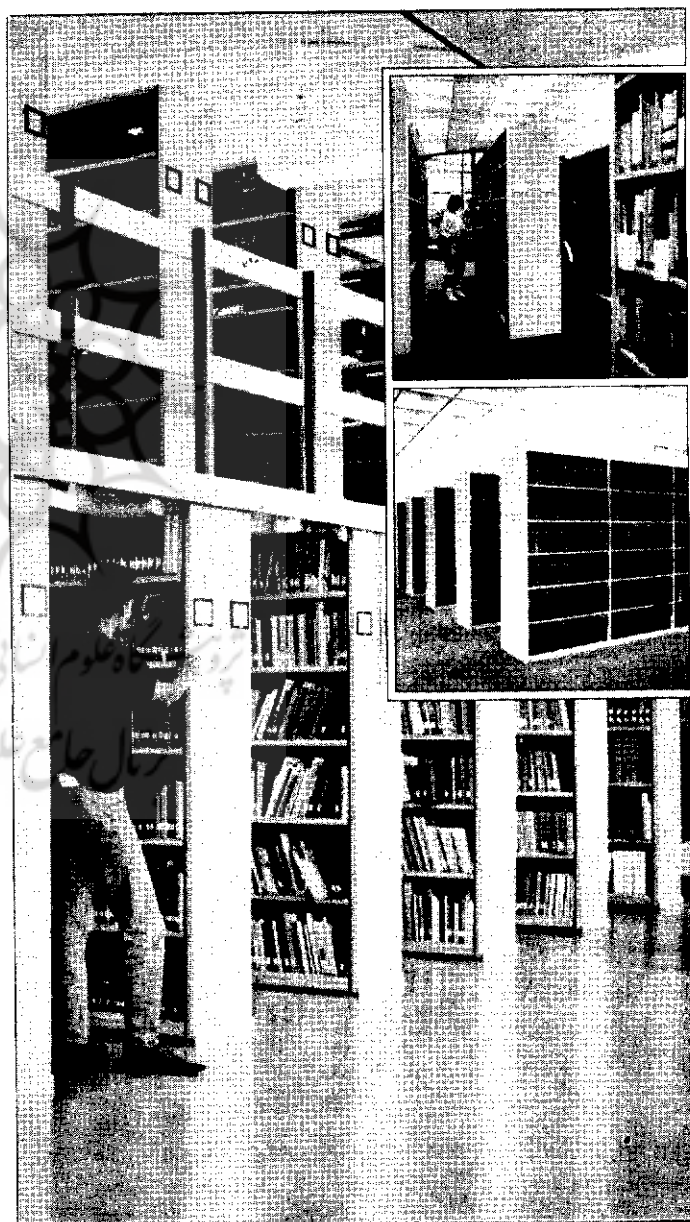
ح. بر تعداد واحدهای متون اختصاصی انگلیسی چهار واحد اضافه شود و یا اینکه دانشجویان مجاز باشد به جای چهار واحد زبان فرانسه و... چهار واحد دیگر درس متون انگلیسی (۳) و متون انگلیسی (۴) بگیرد.

۱. از زمان فارغ التحصیلی ام در دوره کارشناسی ۱۰ سال و در دوره کارشناسی ارشد ۳ سال می‌گذرد. از آن هنگام تا کنون ارتباطی با گروههای آموزش کتابداری دانشگاهها نداشته‌ام، لذا شناختم از برنامه‌های آموزشی دانشگاهی جدید نیست و بالطبع نمی‌توانم اظهار نظر کنم.

۲. طبعاً هر استادی روش تدریس ویژه‌ای دارد. البته شأن و احترام همه اساتید محفوظ و اجرشان مأجور است، اما به دلیل پاسخگویی به این سؤال و با عرض پوزش از همه اساتید بزرگوار نکات چندی را یادآور می‌شوم. اساتید را برحسب روش تدریس می‌توان عمدتاً به چند گروه تقسیم کرد:

الف. گروهی از اساتید «متکلم وحده» اند، بدین معنی که بدون در نظر گرفتن سطح علمی دانشجویان و با طرح سؤالات بحث‌انگیز و نظرخواهی از آنان، درس خود را به صورت یکنواخت و غالباً کسالت‌آور ارائه می‌دهند و به میزان استعداد و پذیرش دانشجویان توجهی ندارند. برخی از ایشان دانشجویان را (به طور غیر مستقیم) وادار به یادداشت برداری از بیانات شفاهی یا استفاده انحصاری از «جزوه درسی» می‌کنند و برخی دیگر نیز در پایان هر درس سیاهه‌ای از عناوین منابع تکمیلی را ضمیمه جزوه ساخته و به دانشجویان توصیه می‌کنند. اما ملاک موفقیت و نمره‌آوری برای دانشجویان نهایتاً جزوه است. در هر دو صورت، نه استاد روشهای عملی برای مراجعه دانشجویان به دیگر منابع را تدارک می‌بیند و نه دانشجویان گزیده‌ای برای مراجعه.

ب. گروهی دیگر از اساتید، درس خود را با بحث علمی دانشجویان توأم می‌سازند. بدین صورت که بخش قابل توجهی از مطالب درس را به صورت موضوعات تحقیق به دانشجویان واگذار می‌کنند. آنان مکلفند که برای هر موضوع یک مقاله تحقیقی تهیه کرده یا یک کنفرانس برگزار نمایند. این شیوه (مرسوم) گرچه دانشجویان را به اجبار وادار به «تحقیق» می‌کند، اما به دلایل متعدد زیر، بازدهی مطلوبی به دنبال ندارد:





نمایند، چگونه مطالب را گردآوری کنند، چطور وارد بحث شده و آن را گسترش داده و نهایتاً جمع‌بندی کرده و استنباط شخصی خود را بیان نمایند. شاید از همین روست که اغلب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری از حد گردآوری — به صورت تهیه کتابشناسی — یا گزارش نویسی فراتر نمی‌رود و کمتر جنبه تحلیل علمی یا انتقاد علمی دارد.

۳. چند کتابخانه‌ای که تاکنون دیده‌ام کمبودهای آشکاری از نظر منابع — حتی منابع درسی — داشته‌اند و لذا مجموعه‌های موجود، چه از حیث تنوع عناوین و چه از حیث کیفیت مطلوب نیستند.

۴. به نظر می‌رسد که برای دروسی از قبیل زبان خارجی، فهرست‌نویسی، و مرجع‌لابراتوار و کتابخانه‌های تخصصی جامع مورد نیاز است.

۵. اساتید و مدرسان کتابداری را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: الف. گروهی که صرفاً به تدریس اشتغال دارند. کثرت ساعات تدریس بالطبع مانع مطالعه، پژوهش و تفکر لازم استاد می‌شود و لذا استاد تدریجاً «روزآمد» بودن اطلاعاتش را از دست می‌دهد.

ب. گروهی که مدیریتهای اجرایی دارند. این گروه به دلیل مشغله اجرایی که غالباً غیر علمی‌اند — معمولاً کمتر فرصت مطالعه پیدا می‌کنند.

یک. اغلب اساتید، دانشجویان را مکلف به ارائه تحقیق یا کنفرانس می‌کنند. لذا، اغلب اوقات دانشجویان موظف است که در یک نیمسال چند تحقیق را همزمان انجام دهد. بنابراین، امکان غور در منابع متعدد را نخواهد داشت و تحقیق در حد «رونویسی» یا «گردآوری مطالب» تنزل کرده و هدف اصلی که ارائه «نظریه تحلیلی» جدید از خلال مطالب است فراموش می‌شود.

دو. گاهی اوقات اساتید، مطالب درس خود را میان دانشجویان به عنوان تحقیق و کنفرانس تقسیم می‌کنند. عیب اصلی این روش آن است که چون این کار در آغاز یا در نیمه نیمسال صورت می‌گیرد و دانشجویان احاطه کافی به موضوع درس ندارند، تحقیقات دانشجویان بعضاً همسوی درس استاد نخواهد بود.

سه. مهمتر آنکه دانشجویان با «سنت تحقیق و پژوهش» بیگانه‌اند. گذراندن ۲ یا ۳ واحد درس «روش تحقیق» در دانشگاه، دستمایه کافی برای «تحقیق» نیست. تحقیقات درسی از این قبیل بیشتر تکلیف درسی و یا «رفع تکلیف» است. از همین روست که این مشکل در هنگام تهیه «پایان‌نامه» دانشجویی، در مقطع کارشناسی ارشد رخ می‌نماید. بسیاری از دانشجویان چون مقدمات لازم تحقیق را نداشته و تجربه‌ای در این زمینه ندارند، نمی‌دانند چه موضوعی انتخاب



ج. گروهی که بیشتر به تحقیق و تألیف پرداخته و کمتر - یا حسب مورد - درس می‌دهند. این گروه به دلیل اشتغال روزانه به تحقیق، اطلاعات روزآمدی در حوزه‌های تخصصی دارند.

البته مسائلی که گفته شد یقیناً از دید اساتید محترم به دور نیست و طبعاً شرایط و ملاحظات اقتصادی عامل عمده و اصلی در فاصله گرفتن اجباری از تحقیق و تألیف است که مجال بحث آن نیست.

۹. برای پاسخ به این سؤال لازم است که جایگاه تشکیلاتی گروهها را در کنار شرح وظایف سازمانهای مادر مطالعه نمود، اما چون وضعیت آن دو برای اینجانب روشن نیست لذا پاسخ روشنی در این زمینه ندارم.

۷. انتظار می‌رود که در جنب ضوابط معمول گزینش برای دانشجویان این رشته، «روحیه فرهنگی» و «عادت به مطالعه» نیز به عنوان عاملی مثبت لحاظ شود. داشتن این مایه اصلی، شرط لازمی برای موفقیت دانشجویان در این رشته است.

۸. از وضعیت جدید برنامه‌های آموزشی در مقاطع مختلف دانشگاهی اطلاعی ندارم. اما در دوره دانشجویی خود، دروسی در دوره کارشناسی ارشد وجود داشت که در نیمسالهای اول و دوم کارشناسی منظور شده بود. این قبیل تشابهات برای دانشجوی تکرار مکررات و ملال آور است. اما تا آنجا که اطلاع دارم تاکنون چهار ارگان دولتی اقدام به برگزاری دوره‌های کوتاه مدت کتابداری نموده‌اند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه ملی ایران، صدا و سیما، و سازمان مدیریت صنعتی). البته کیفیت علمی در این مؤسسات، به دلیل تنوع اساتید و مدرسان، سطح علمی متقاضیان، تجربه‌های عملی سازمانی و... یکسان نبوده است، ولی شواهد، مؤید تکامل کیفی محسوسی در این زمینه است.

به دلیل آشنایی نزدیکی که با برنامه آموزش کوتاه مدت کتابخانه ملی و مواد درسی آن دارم، مشاهده می‌شود که اساتید مبرزی در این دوره‌ها تدریس می‌کنند. مواد درسی کارشناسی ارشد، در دروس عمومی و تکدرس تدریس می‌شود و قابلیت‌های خوبی نیز در میان دانشجویان دیده می‌شود که تحسین برانگیز است. البته طبیعی است که در مدت یک ماه و چند روز نمی‌توان همه مطالب درسی را تفصیلاً شرح داد، اما عصاره آن بیان می‌شود. این دوره‌ها، که برای کارمندان سازمانی و غیرسازمانی تدارک شده‌اند انگیزه‌های معنوی و مادی برای پرسنل تجربی سازمانهای ذیربط بوده و سبب ارتقای علمی و کیفی آنها در کوتاه مدت

می‌گردد.

۹. تا جایی که اطلاع دارم ارتباط میان گروههای آموزشی فعال و سازمان‌یافته نبوده بلکه ضعیف است و بعضاً خصوصتهایی نیز دیده می‌شود. روابط فیما بین گروهها بیشتر به دلیل حضور اساتید مشترک میان آنهاست. به بیان دیگر عامل «برنامه و فعالیت»، رابط میان گروههای آموزشی نیست بلکه عامل «انسانی» مشترک موجب ارتباط گردیده است.

۱۰. این رابطه در گذشته بسیار ضعیف بوده است.

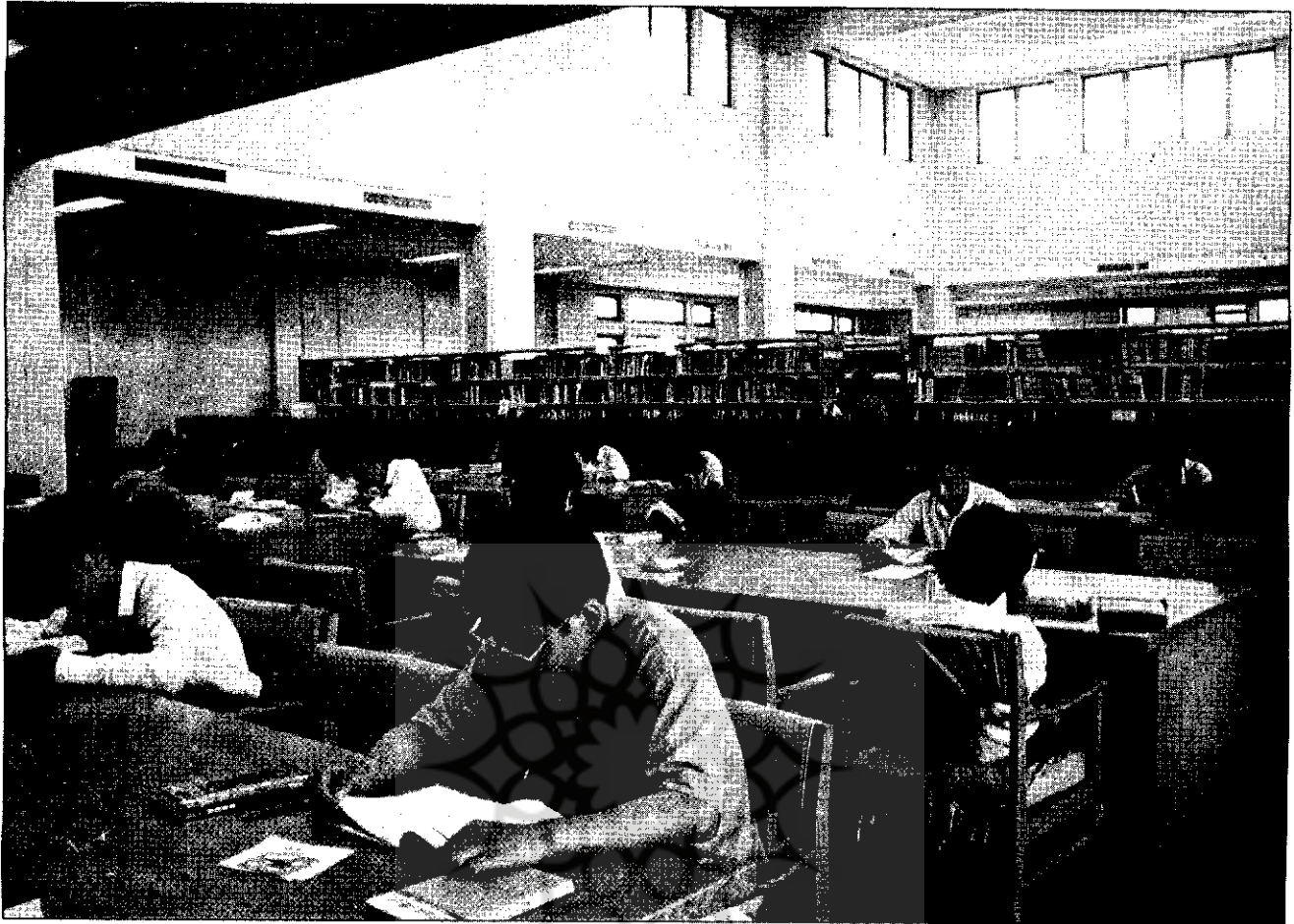
۱۱. با رشد و گسترش چشمگیر کتابخانه‌ها پس از انقلاب اسلامی، نیاز مبرمی به کتابداران متخصص احساس می‌شود. این احساس عمده‌تاً در حوزه فهرست‌نویسی ورده‌بندی مجموعه‌هاست، زیرا پس از تهیه مجموعه، نخستین فعالیت مشهود در کتابخانه، ترتیب و تنظیم منابع است. از همین رو، تخصص فهرست‌نویسی برجسته‌تر از سایر جنبه‌های کتابداری، ارزش وجودی و مادی پیدا کرده است. به عبارت دیگر بازار کار کتابداری با فهرست‌نویسی لازم و ملزوم شده‌اند. گرچه فهرست‌نویسی یکی از ارکان کتابداری جدید است، اما همه دانش کتابداری و اطلاع‌رسانی در آن خلاصه نمی‌شود. این تلقی، گذشته از نیاز مبرم کنونی جامعه، معلول دو علت اساسی است:

اول: منزلت یافتن دانش فنی یا فن‌سالاری در کشور که از دهه ۵۰ به بعد رشد شتابانی گرفته که فهرست‌نویسی به عنوان بُعد فنی کتابداری، برجستگی خاص یافته است.

دوم: سیستم آموزش رسمی دانشگاهی و الفناات مستقیم و غیرمستقیم اساتید و متولیان کتابداری جدید است. به هر روی، فهرست‌نویسی در نهایت امر، «تکنیک» است. هر چند آگاهی علمی بدان شرط لازم فهرست‌نویسی است اما شرط کافی نیست، زیرا معلومات نظری اجمالی و تفصیلی در حوزه‌های علوم و معارف گوناگون لازم است تا فهرست‌نویسی قادر به تشخیص حوزه‌های موضوعی کلی و جزئی شود. در حوزه‌های تخصصی علوم انسانی و اجتماعی که مرزهای مشترک موضوعی متعددی وجود دارد، این نیاز بیشتر احساس می‌گردد.

۱۲. برای بهبود آموزش این رشته و نیز فراهم آمدن تخصصهای مختلف، پیشنهاد می‌شود که دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد از میان فارغ‌التحصیلان همه رشته‌ها انتخاب شوند و حال آنکه تقریباً عموم پذیرفته‌شدگان از گذشته تاکنون دارای مدرک علوم انسانی و اجتماعی هستند یا آنکه دوره کارشناسی ارشد به گرایشهای گوناگون تقسیم شود تا سبب تنوع و غنای این رشته گردد.





احمد شعبانی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گرددیده است. البته این شروع سلیقه گروهی از کتابداران محترم است که با گذشت زمان نیز اندکی کهنه شده است. به واقع، ما، تسین دانشگاهی همواره سعی کرده‌اند که به رئوس مطالب با انعطاف برخورد کنند و فقط بخشی از مطالب آن را مدنظر قرار دهند. فکر می‌کنم چنانچه بلوغ علمی در گروههای کتابداری رشد یابد، هر مدرس موظف باشد خود به طرح دروس خویش همت کند و هر سال در آن تجدیدنظر نماید.

۲. این نیک‌بختی برای راقم این سطور وجود داشته که از استادان کاملاً برجسته با روشهای معلم - محوری و دانشجو - محوری در مقاطع مختلف رشته کتابداری برخوردار باشد. این حُسن، متأسفانه متعلق به دانشگاه تهران در سطوح کارشناسی ارشد است. هیچ تردیدی نیست هر دو شیوه دارای

۱. پاسخ به این سؤال نیاز به ارتباط برنامه‌های درسی کتابداری با توسعه ملی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی از یک سو، و پیش‌زمینه‌ها و پایه اولیه پذیرفته شدگان این رشته دارد. این رشته به آرامی جایگاه خود را در میان جامعه علمی باز کرده و به این جهت نیازی اساسی به تدوین دقیق برنامه‌های آموزشی دارد.

برنامه‌ریزی آموزشی در این خصوص شامل دو بعد است: عناوین دروس و شرح دروس. گمان می‌کنم بسیاری از عناوین تدوین شده با واقعیتها و نیازهای جامعه ما همگون است، هرچند نیاز به تجدید نظر در برخی از دروس و افزایش یا کاهش واحدهای درسی احساس می‌شود. درخصوص شرح دروس نیز در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد تصمیماتی اتخاذ شده و برای گروههای آموزشی ارسال

کاستیها و فواید چندی است که در فنون و روشهای تدریس مورد بحث و تنقید قرار می‌گیرد. اما قضاوت در تدریس را می‌توان در چند نکته به شرح زیر مورد بررسی قرار داد:

از آنجا که این رشته با مواد مکتوب و طبع و نشر مرتبط است تحول مطالب آن سریع است و مدرسین باید به نحوی مواد نورا در دروس خود جایگزین کنند. ارائه این مواد می‌تواند به سطوح کیفی درس کمک نموده دانشجویان را ارضاء کند. بیاندیشید که در همین سال جاری چه تعداد مواد مرجع، ادبیات کودکان و یا متن نظری برای آموزش نوسادان منتشر شده است.

نکته دیگر اجرای یک دوره یا نیمسال به نحو مناسب است. بسیاری اوقات تجربه مدرسین جوان ناچیز بوده به نحوی که با یکی دو بر خورد با دانشجوی روحیه خود را از دست داده جلسات بعدی را با ضعف ادامه می‌دهند. این مسأله در رشته کتابداری که با کار عملی ارتباط دارد حادتر است. درحالی که نفس عمل بهتر می‌تواند معلم و دانشجویان را به قربات و معاضدت با یکدیگر مرتبط نماید.

و بالاخره بسیاری اوقات، نقش مدرس در این رشته برای دانشجوی کارشناسی به عامل مشوق تبدیل می‌شود. برخی از دانشجویان تازه وارد، با توجه به عدم شناخت جامعه از این رشته احساس ناراضی می‌کنند. تدریس مناسب می‌تواند عامل ترغیبی جهت ادامه این راه برای دانشجو باشد.

۳. ارزیابی کتابخانه‌های دانشکده‌ای مورد استفاده دانشجویان کتابداری به خدمات سیستم کتابخانه و مجموعه آن ارتباط دارد. بالطبع کتابخانه‌های با سیستم باز برای دانشجوی کتابداری در فراگیری و تمرین تأثیر گذار است. آسبایی که دانشجو از عدم دسترسی به مواد فهرست نویسی و مرجع در طول دوره آموزشی متحمل می‌شود بعدها قابل جبران نیست. در دانشکده علوم تربیتی اصفهان، به جهت محدودیت نیرو و فضا، یک کتابخانه گروه در سال ۱۳۷۱ گشایش یافت. حسن این عمل بر لمس کتاب مرجع و تمرین جمعی فهرست نویسی از سوی دانشجویان است. عامل بعدی مسأله مجموعه کتابخانه هاست. بعید است کتابخانه‌ها از خرید عناوین فارسی در تنگنا باشند، مگر اینکه مدیریت ضعیف باشد. متقابلاً ما هر روز خود را با پیشرفتهای کتابداری در غرب یا مواد تمرین به زبان انگلیسی بیگانه احساس می‌کنیم. شاید این نقص، در کتابخانه‌های دانشکده‌ای بیشتر مشهود است و با بالا رفتن قیمت کتب لاتین در آینده این فشار محسوس تر خواهد شد.

۴. یکی از مشکلات رشته ما تجهیزات و لوازم آموزشی برای دانشجویان است. برخی اوقات گرانی، عدم دسترسی،

مفصل بهره‌جویی، و بالاخره عدم آشنایی مدرس موجب می‌شود یک درس عملی به صورت نظری تدریس شود. نیاز به تمام وسایل و تجهیزات این رشته از متون و نسخ و کاغذهای گونه‌گون تا دستگاههای ساده میکروفیش خوان و تجهیزات کامپیوتری از مواردی است که باید با حمایت مسئولان دانشکده برای آموزش دانشجویان خریداری شود. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که تأسیس یک آزمایشگاه کتابداری در کنار هر گروه و واگذاری مسؤلیت آن به یکی از اعضا امری اجتناب ناپذیر است.

۵. بسیاری اوقات این سوءظن در فکر راقم وجود دارد که روند جریانات علمی کتابداری در جهان امروز در گروههای آموزشی مستقر در دانشگاههای تهران و دیگر مراکز آموزشی در استانها فاصله بسیار زیادی از یکدیگر داشته و همین اختلاف بر مدرسان شهرستانی به شدت تأثیر می‌گذارد. یکی از عوامل چنین ذهنیتی نداشتن تماس بسیاری از این معلمان با مواد مکتوب و نشریات تازه در حوزه کار آنها ارتباط دارد. این قضایا را می‌توان در عملکرد برخی از این مربیان احساس کرد.

مسأله دیگر سکونی است که در تدریس این عزیزان مشاهده می‌گردد. این سکون در متن دروس، معرفی کتاب درسی یا راهنمایی دانشجویان می‌شود. شاید عجیب باشد که پیوند دانشجوی کتابداری در درس مراجع از طریق کتابهای ابتدای دهه شصت طرح ریزی گردد، مگر مدرسین فاضل و اهل علم سراغ جوئید که جزوه‌ای تدوین کند. بالاخره کمبود مدرس با گرایشهای تخصصی است. خوشبختانه چنین تفکری سالهاست که در دانشگاه تهران اجرا





خدمت کتابخانه مادر قرار گیرند. غالباً شناخت مدیران دو طرف از یکدیگر در سطح نازل است. چنین بنیانی بیشتر مربوط به اهمیت منصب کتابخانه مرکزی دانشگاهها می‌شود. تا آنجا که واقفم، این مقام در بیشتر دانشگاههای کشور به فارغ التحصیلان دیگر رشته‌ها واگذار شده است. اما در خصوص ارتباط گروهها با سازمانهای مادر در خارج از دانشگاه مانند کتابخانه ملی با انجمن کتابخانه‌های عمومی از مواردی است که باید متذکر شد به جهت تشتت، ضعف مدیریت سازمانهای مادر و بالاخره عدم وقوف به نظریات تخصصی در آموزش، پیوند یاد شده بسیار ضعیف و گاهی اوقات از هم گسیخته است. شاید گذشت زمان به نحوی بتواند موارد تشکیلاتی را با اتخاذ تصمیمات مناسب مدیران مستحکم نماید.

۷. این سؤال از مواردی است که یک معلم در مواجهه با انبوه دانشجو با آن رویاروی است. بخشی از آن به اضطراب روانی دانشجو بازمی‌گردد. اما قسمت عمده آن به برنامه‌ریزی‌های گزینش دانشجو مرتبط است. نخستین مسأله برای داوطلب کارشناسی ارشد به نوع سؤالات باز می‌گردد. این زمینه برای شرکت کنندگان دیگر رشته‌ها در آزمون فوق لیسانس اهمیت درخوری می‌یابد. انتظار می‌رود مسئولان محترم در حل پراکندگی وضعیت فعلی گزینش دانشجوی فوق لیسانس برای دانشگاههای دولتی تسریع نمایند. شاید بتوان از روش گزینش دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی برای کارشناسی ارشد بهره‌جست و به قسمی مسأله را حل کرد. برای حقیر، بسیار بهت‌آور است که آثار چاپی دانشجویان فوق لیسانس دانشگاه یاد شده در سطوح نسبتاً خوب کیفی است، آیا به نوع پذیرش و شیوه گزینش دانشجو باز نمی‌گردد. اما مورد بعدی پذیرش دانشجو در سطح کاردانی و کارشناسی است. دیگر این اعتقاد که کتابداری از رشته‌های علوم نظری به معنای محض کلمه می‌باشد، دگرگون شده است. امروزه یک کتابدار خوب باید آمار، مدیریت، کار با کامپیوتر و گاهی اوقات همکاری در طراحی یک سیستم را آموزش ببیند، چه بسا با تغییر ضرایب درسی بتوان دیپلمه‌های رشته ریاضی و علوم تجربی را به این رشته جلب کرد.

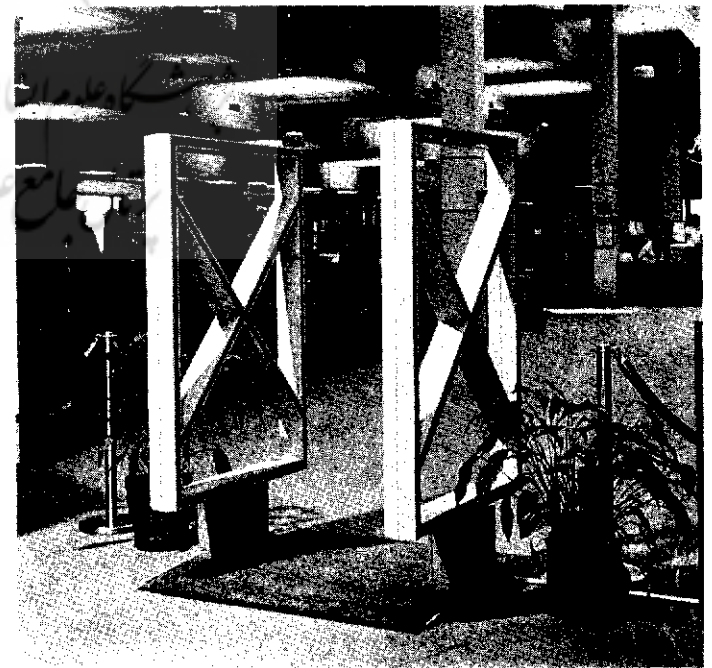
۸. مقاطع تحصیل دانشگاهی این‌حُسن را دارد که معلم با دانشجو تمام عیار در تماس است. این دانشجو دارای زمان، ذهنی آماده و توانی زیاد در پی‌گیری مطالب درسی است. متقابلاً طول دوره نیز این فرصت را به معلم می‌دهد تا مسائل درسی را بیان کرده، بحث نماید.

دوره‌های آموزشی کوتاه و بلند مدت سازمانی و دانشگاهی برای معلم قسمی اضطراب توأم با یأس است.

می‌شود، اما این بنیان عملاً در دیگر دانشگاهها مخدوش است. یک استاد بنا بر سابقه سنوات، چند درس با زمینه‌های متفاوت را در اختیار گرفته و بدون عرضه هیچ پویایی از نظر مسائل علمی آن را ادامه می‌دهد. لطمه‌ای که از این نوع عمل بر سطح کیفی آموزش و توسعه پژوهش در گروه بوجود می‌آید قابل جبران نخواهد بود.

در نهایت، بازآموزی مدرسان قبل از سالهای ۱۳۶۵ است. هیچ تردیدی نیست وضعیت کتابداری در این ده سال کاملاً دگرگون شده، این جریان را می‌توان از سیر عناوین، موضوعات و تحلیل پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و تربیت مدرس دریافت. فارغ التحصیلان جدید به خوبی زبان یکدیگر را در قوانین مجموعه‌سازی، فلسفه فهرست‌نویسی، روشهای نوین تحقیق می‌فهمند، درحالی که این مسائل ساده برای مدرس دانشگاهی که در دهه پنجاه و ابتدای شصت از آموزش فراغت یافته کاملاً بدیع و گاه بفرنج است.

۹. در حقیقت این جایگاه از یک سوبه حوزه درون دانشگاهی مانند معاونت پژوهشی و کتابخانه مرکزی دانشگاه بازمی‌گردد و از دیگر سوبه‌های برون دانشگاهی مانند کتابخانه ملی یا انجمن کتابخانه‌های عمومی استان و یا کشور مرتبط است. در جنبه نخست، مسأله کلی در سطح تمام دانشگاههای کشور وجود دارد، درحالی که پیوند گروه آموزشی با کتابخانه مرکزی باید نوعی برخورد مستحکم باشد، و اعضای گروه در



گرفتاریهای شرکت کنندگان در طول دوره، عدم آمادگی، نداشتن شرایط اولیه برای پذیرش مطالب و بالاخره عدم اطمینان مدرس از فراگیری مواد ارائه شده به همراه کمبود وقت احساس ناخوشایندی است که رغبت تدریس را کاهش می‌دهد.

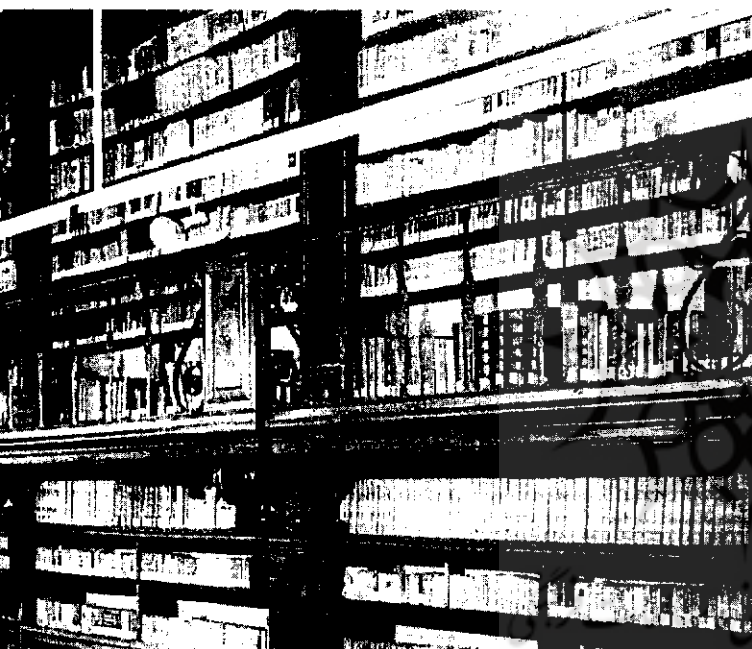
۹. بالطبع این روابط دوستی دوران تحصیل و یا چهره به چهره اعضای گروههای آموزشی با یکدیگر برمی‌گردد و نه رابطه‌ای سازمان‌یافته و منظم. در سال ۱۳۷۱، سازمان کتابهای درسی «سمت» از مدیران گروههای آموزشی در دانشگاههای خارج از تهران و مدرسان مقیم تهران دعوتی به عمل آورد. البته بدیهی است این نوع جلسات چونان تئوری است و به آسانی فراموش می‌شود.

آشکار است که آموزش با تجربه، پژوهش، اطلاعات، آگاهی مرتبط است. این توان در تمام گروههای آموزشی در دانشگاههای مختلف یکسان نیست. شاید مناسب باشد جلساتی دوساله شامل بحث و گردهمایی زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی بوجود آید یا دفتری در یکی از دانشگاههای پایتخت این قسم پیوندها را هماهنگ کند.

۱۰. این رابطه مبتنی بر میزان قدمت گروه آموزشی، قدرت نفوذ و سطح کیفی اعضا تعیین می‌شود. این ارتباط همواره از نظر پژوهشی و آموزشی دو جانبه نیست. مثلاً هنوز گروههای علوم انسانی که پیوند نزدیکی با روش تحقیق کتابخانه‌ای دارند، مایل به پذیرش یکی دو واحد «آشنایی با کتابخانه» نیستند. چنین است که در پایان‌نامه‌های تحصیلی سطوح کارشناسی ارشد بسیاری از دانشجویان این رشته‌ها، ابتدایی‌ترین مسائل و شکل تحقیق را رعایت نمی‌کنند. شاید عدم پذیرش جنبه مزبور به تظاهر برونی رشته ما از نظر تألیف و ترجمه مرتبط است، یا احتمالاً تشدید فعالیت همکاران ما جهت معرفی دقیق مسائل کتابداری. به هر حال حدس می‌زنم در برخی دانشگاهها گروههای کتابداری با دیگر گروههای همجوار از رابطه مستحکم و متنفذی برخوردار باشند.

۱۱. یکی از جذابیت‌های کتابداری برای دانشجویان مسأله اشتغال است. مثلی بین ما در این رشته رواج دارد که می‌گوید: «هیچ کس را با مدرک کتابداری بیکار پیدا نمی‌کنید.» به واقع نیز چنین است. مراجعان فراوانی از سازمانهای دولتی و خصوصی داریم که به دنبال دانشجویی با مدرک کاردانی و کارشناسی هستند، لیکن مأیوس می‌شوند. این روند را در صفحات آگهیهای استخدام نیز می‌توان دنبال کرد. امید که مداوم یابد. مشکل در مقاطع فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد است که بسیاری از آنان تمایل در پیوستن به گروههای

آموزشی دارند. البته این دوستان نیز شاغل هستند لیکن تفاوت حقوق و مزایای هیئت علمی با کارمندان ارشد اداری موجب شده آنها رضایت شغلی نداشته باشند. در چنین مواردی باید واقع‌بینانه ملاحظه کرد که راه‌حل اساسی برای مسأله چیست؟ سطح علمی، سابقه خدمات، مشاغل و مناصب تخصصی داوطلب تا چه حد در تغییر وضعیت وی مؤثر خواهد بود. متأسفانه این متغیرها در تمام گروههای آموزشی کشور مورد شناسایی قرار نگرفته و موجب شده افرادی ناشایست از نظر آموزش و پژوهش، به سمتهای مربیگری دست یابند.



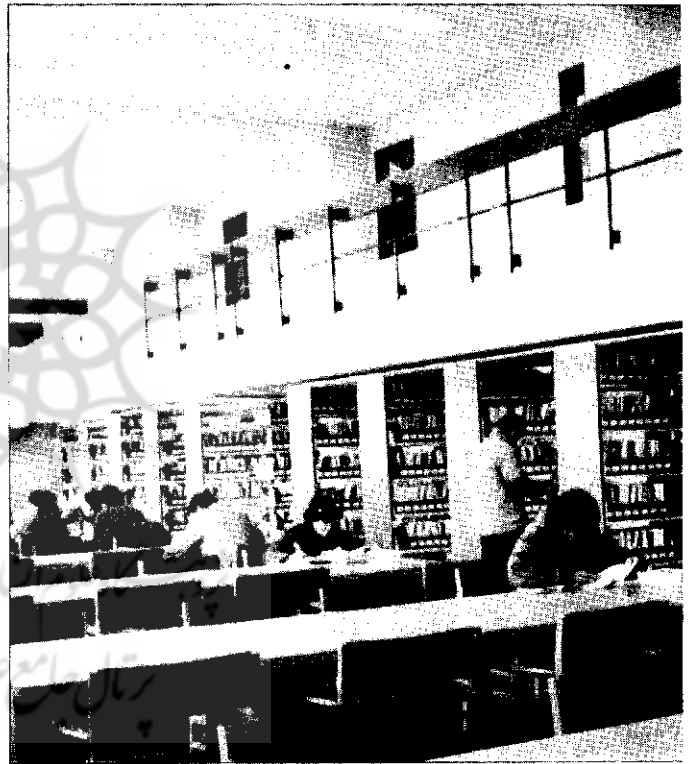
۱۲. یکی از نیازهای مبرم رشته ما که به واقع باید بر آن تأکید مجدد کرد، نگارش متون درسی برای دوره‌های کارشناسی است. خوشبختانه هم‌اکنون چند متن درسی مناسب برای دانشجویان نوشته شده و برخی از آنها به خوبی جای خود را در برنامه‌های آموزشی باز کرده است. اما با توجه به انبوه دانشجویان کتابداری در سالهای اخیر و ابعاد مختلف فکری مدرسان نیاز به تصنیف متون بیشتری است. سازمان «سمت» فعالیت‌هایی را در این خصوص انجام داده، اما نتایج و بازتاب آن بسیار ناچیز بوده است. شاید با توجه به مشاغل متعدد برخی اساتید زبده، بتوان با تقسیم وظایف برای مربیان و هدایت و سرپرستی آنان توسط یک سر ویراستار، توفیق بیشتری در تدوین متون درسی به دست آورد.



ورودی دانشجوی کتابداری شده است بعد از سه نیمسال با دانشجوی نیمسال ششم یا هفتم کتابداری که کارمند کتابخانه نیست از نظر اطلاعات و کارایی برابری می‌کند. بنابراین، هر چه بیشتر مقاطع مختلف این رشته به طرف تجربه و کار عملی واقعی گرایش پیدا کند بهتر است. از طرف دیگر، غالب کارورزیهای این دوره در مواردی سطحی برگزار می‌گردد و دانشجویان در کتابخانه‌هایی که دوره کارورزی را می‌گذرانند با تعهد و مسؤلیت دل به کار نمی‌دهند مخصوصاً اینکه مسؤلان کتابخانه‌ها نیز وقت کافی ندارند یا برای تربیت کارورزان به قدر کافی وقت صرف نمی‌کنند.

۲. بخشی از تدریس دروس کتابداری در مقاطع مختلف که به عهده مدرسان این رشته تخصصی است به علت نبود همکاری میان دانشگاهها و برنامه ریزی براساس نیازمندیها و نیز نا کافی بودن سرمایه گذاری برای تربیت مدرسان متخصص جوان در داخل و خارج کشور با کمبودها و کاستیهایی مواجه است. بدون شک، در حال حاضر مدرسان علاقه مند و دلسوز و با سواد بسیاری در این رشته فعالیت می‌کنند و الحق دانشجویان بسیار خوبی هم فارغ التحصیل شده‌اند، ولی تولید در این رشته به صورت انبوه و همه جانبه رضایت بخش نیست؛ یعنی بیشتر دانشجویان این رشته بعد از پایان دوره کتابداری توجه و دلبستگی خاصی به حرفه خود ندارند و شاید از بد حادثه این رشته را انتخاب کرده‌اند و از بد حادثه هم در کتابخانه کار می‌کنند. این کاستیها به روش تدریس مدرسان برمی‌گردد. آنچه مربوط به مدرسان است ناشی از عوامل متعددی است. اول اینکه مدرس از این راه زندگیش تأمین نمی‌شود؛ دوم اینکه ساعات تدریس وی برای تأمین حداقل نیاز بیش از آن است که باید باشد و لذا به مطالعه و تحقیق نمی‌رسد؛ سوم آنکه نیاز اقتصادی خانواده، مدرس را مجبور می‌کند شغل دیگری را یدک بکشد؛ چهارم آنکه فرصت مطالعاتی و بورس تحصیلی برای مدرسان بسیار کم و محدود است؛ پنجم اینکه مدرسان کتابداری، انجمن یا گردهمایی سالانه‌ای ندارند که هم با یکدیگر آشنا شوند و هم مسأله حرفه‌ای را با یکدیگر در میان بگذارند و تدابیری برای حل مشکلات بیندیشند.

۳. تا آنجا که اینجانب اطلاع دارد بیشتر دانشجویان رشته کتابداری از داشتن کتابخانه مخصوص کتابداری و اطلاع رسانی محروم‌اند. تنها چند کتابخانه دانشکده‌ای دارای مجموعه مواد کتابداری و اطلاع رسانی‌اند و احتمالاً دانشکده مستقل کتابداری که انحصاراً مجموعه‌سازی تخصصی داشته



۱. برنامه‌ها و واحدهای تدوین و تنظیم شده برای رشته کتابداری شاید به خودی خود به صورت نظری خوب باشد، ولی نتیجه و بازدهی مقاطع مختلف تحصیلی دوره‌های کتابداری است که میزان کارایی فارغ التحصیلان را محک می‌زند. بارها اتفاق افتاده است که دانشجویان رشته کتابداری برای گذراندن دوره کارآموزی در مقطع کاردانی و کارشناسی به کتابخانه مراجعه کرده‌اند. درباره حرفه کتابداری چند سؤال ساده و ابتدایی کرده‌ام و جواب درست نشنیده‌ام. این نکته قابل ذکر است که کارمند کتابخانه‌ای که با دادن آزمون

باشد نداریم. خوشبختانه امروز تأکید زیادی برای تأسیس و تشکیل کتابخانه مخصوص دانشجویان کتابداری و اطلاع رسانی به عمل می‌آید. امیدواریم پی گیری مستمر دست اندرکاران حرفه کتابداری به ثمر برسد و دانشجویان رشته های کتابداری از کتابخانه اختصاصی آبرومند و روزآمدی برخوردار شوند. به نظر این حقیر، کتابخانه اختصاصی برای دانشجویان کتابداری به منزله کتاب برای کتابفروشی و پارچه برای خیاط است.

۴. قبل از هر چیز دانشجوی کتابداری باید با کتاب و کتابخانه و فضای خوب و مناسب سر و کار داشته باشد. کتابخانه ای می‌تواند این امکانات را به وجه احسن فراهم آورد که از نظر تجهیزات و لوازم با نیازهای زمان حرکت کند. وسایل و تجهیزات کتابخانه استاندارد باشد، محلها و فضاهای کتابخانه برای مطالعه مناسب باشد، نور و گرما و برودت از شرایط خوب برخوردار باشد، و ماشین فتوکپی و زیراکس با قیمت ارزان در اختیار دانشجویان قرار گیرد. کتابخانه برای دانشجوی کتابداری کارگاه آموزشی است؛ همان طور که دانشجوی رشته شیمی بدون آزمایشگاه مجهز و خوب نمی‌تواند فارغ التحصیل خوبی در رشته شیمی باشد، دانشجوی کتابداری بدون کتابخانه مجهز و کامل نمی‌تواند کتابدار حرفه ای از آب درآید. باید بپذیریم که امروز ماشین و کامپیوتر نقش عمده ای در ارائه خدمات و فعالیتهای کتابخانه و اطلاع رسانی به عهده دارد و بدون وسواس و دلپایسی و با اعتماد به نفس باید راه کتابخانه را برای پذیرش و کاربرد کامپیوتر هموار کرد.

۵. خوشبختانه در حال حاضر مدرسان گروههای آموزشی این رشته در حد کفایت اند. اگرچه در بعضی از گروههای تخصصی کمبود احساس می‌شود. که ان شاء الله به زودی مدرسان جوان وارد صحنه خدمت و همکاری می‌شوند و جاهای خالی را پر می‌کنند. نکته حائز اهمیت اینکه همکاران و مدرسان این رشته کمتر دور هم جمع می‌شوند تا درباره خط مشی و سیاست کتاب و کتابخوانی تبادل نظر کنند و مشکلات و نواقص برنامه ها را به بحث و گفت و شنود بگذارند و راه‌حلهای مناسب و جامع برای آنها بیابند. هر گروه از دید خود و با تدبیر خود راهی را پیدا می‌کند که غالباً به نتیجه دلخواه نمی‌رسد. اکنون وقت آن است که انجمن کتابداران ایران فعالیت خود را از سر بگیرد و همه دست اندرکاران کتابداری کشور با سعه صدر دور هم جمع شوند و پایگاه واحدی که در نهایت به سود مردم و جامعه است به وجود بیاید و کارها را از راههای منطقی و عاقلانه و گروهی دنبال کند.

۶. سازمانهای مادری که در کنار فعالیت خود به تشکیل گروههای مختلفی از جمله گروه کتابداری دست زده اند روز به روز زیادتر می‌شود. هرچه این سازمانها به تشکیل گروههای فرعی بپردازند هدف اصلی آنها کم رنگ تر می‌شود و زیر سلطه خواسته ها و نظرات و تمایلات سازمان مادر قرار می‌گیرند. به اعتقاد اینجانب در رشته کتابداری گرایش به طرف تمرکز نتیجه بهتری را عاید جامعه خواهد کرد زیرا در تمرکز تصمیمات و تدابیر با جهت یابیهای آموزشی و پرورشی و نیازهای عملی یک کاسه می‌شود و برنامه های منسجم و کاربردی با نیازهای جامعه تنظیم و تدوین می‌گردد. به نظر می‌رسد که تشکیلات کتابداری باید طبق برنامه های تازه و نیاز به حال و آینده تنظیم و تدوین و تصویب گردد و به مورد اجرا گذاشته شود.



۷. وقتی در کلاسها به صورت دقیق از دانشجویان علت گزینش این رشته تحصیلی را سؤال می‌کنیم غالباً نسبت به این رشته توجه نشده اند و حتی تا چندین نیمسال گیج و سردرگم اند که بالاخره این رشته تحصیلی چه ارزش و اعتباری در جامعه دارد. آیا این رشته پولسازی است و بعد از فراغ از تحصیل به زودی وارد بازار کار می‌شوند و شغل پیدا می‌کنند؟ دردهای اشتغال چیست؟ به دنبالشان می‌آیند یا باید در به در دنبال شغل بگردند؟ بسیاری از دانشجویان تا اواخر تحصیل هنوز هم نسبت به رشته خود توجه نشده اند و حتی دانشجویانی که از دوره کاردانی به دوره کارشناسی یا از کارشناسی به دوره



مؤسسات خصوصی کار کنند و سپس در مقطع بالا تر به دانشگاه راه یابند یا در مقاطع مختلف تحصیلی دانشجویان را به گرایش برای کار در انواع کتابخانه ها تشویق یا ملزم کنیم. از طرف دیگر فارغ التحصیلان دوره های کتابداری با اینکه تخصص کتابداری دارند، برای اداره کتابخانه های علوم و تکنولوژی و علوم انسانی مخصوصاً زبان و ادبیات فارسی نقطه ضعفهایی در مجموعه سازی و سازماندهی نشان می دهند. چقدر خوب است که در رشته کارشناسی ارشد کتابداری، مسأله تسلط در زبان فارسی و علوم و تکنولوژی مطرح شود و معیارهای انتخاب دانشجویان از این دیدگاهها و صافیها بگذرد.

۸. همان طور که در جای دیگر عنوان کردم دانشجویان از تشابه های درسی در مقاطع مختلف این رشته تحصیلی نام می برند و در مواردی از عدم ارتباط دروس و ارائه منطقی و مورد نیاز واحدهای درسی گله دارند، اما دوره های آموزشی کوتاه مدت و بلندمدت با برنامه ریزی دقیق انتخاب کارآموزان همراه نیست.

اینجانب در چند دوره کوتاه مدت کارآموزی تدریس کرده ام و همیشه با درسهای متعددی مواجه بوده ام؛ از جمله:

الف. شرکت کنندگان دارای معلومات و اطلاعات بسیار متفاوتی هستند که تنظیم مواد درسی و کاربردی را با اشکالاتی مواجه می کند.

ب. در گروه سنی شرکت کنندگان هماهنگی وجود ندارد و تفاوت سنی بسیار زیاد است.

ج. رشته های تحصیلی و مقاطع آن متفاوت است.

د. گروههای شغلی و رده های سازمانی آنها پراکنده است و بعضی رسماً و عملاً در کار کتابداری نیستند.

دوره های کوتاه مدت و بلندمدت آموزشی رشته کتابداری و دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و سازمانهای مختلف، هماهنگی و برنامه ریزی واحدی ندارند و روش واحدی را بر حسب نیازهای جامعه در آموزش کتابداری دنبال نمی کنند.

۹. بارها این نکته در کلاس و جاهای دیگر عنوان شده است که چرا گروههای آموزش کتابداری با یکدیگر ارتباط برقرار نمی کنند تا با هماهنگی یکدیگر به راههای درست تر آموزشی دسترسی یابند. بدون شک ارائه نظرات و پیشنهادهای متفاوت و رایزنیهای گوناگون و جمع بندی آنها به راه حل های منطقی و عاقلانه و خردمندانه منجر می شود. چقدر خوب است که در هر سال تحصیلی حداقل یک بار تمام گروههای آموزش کتابداری با توجه به گرهمایی های متعددی که امروزه در زمینه های مختلف وجود دارد دور هم جمع شوند و

کارشناسی ارشد می رسند مدعی اند که مواد و مطالب تازه ای دستگیرشان نمی شود و درسهای دوره های عالیتر شباهتهای زیادی با درسهای قبلی دارد. وقتی از دانشجویان سؤال می شد که رشته کتابداری انتخاب چندم شما بوده است می گویند انتخابهای آخر و حتی در مواردی الله بختگی این رشته را انتخاب کرده اند. درحالی که داوطلبانی را سراغ داریم که چند سال پشت کنکور می مانند و آگاهانه از رشته های دیگری که قبول شده اند انصراف می دهند تا در رشته مورد دلخواهشان قبول شوند. اینجانب سراغ ندارم دانشجویی را که بگوید آن قدر کنکور می دهم تا در رشته کتابداری قبول شوم. از طرف دیگر اکثر دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی رشته کتابداری چه دوره کاردانی و چه کارشناسی و چه کارشناسی ارشد علاقه مندند در دانشگاهها و



دانشکده ها مشغول به کار شوند و این نقص آموزشی رشته کتابداری است. گناه کتابخانه های عمومی و آموزشی و حتی مؤسسات خصوصی چیست که کتابداران گرایش به کار در این گونه کتابخانه ها ندارند. به نظر می رسد باید برای این مشکل فکری کرد. مثلاً اینکه دانشجویان دوره کاردانی حداقل پنج سال در کتابخانه آموزشی و یا عمومی کار کنند و حق راه پیدا کردن به مقطع بالا تر موقوف به تجربه کار در کتابخانه آموزشی باشد؛ یا دانشجویان دوره کارشناسی تا سه سال در کتابخانه آموزشی و عمومی و



هماهنگیهای لازم را به سود جامعه آموزشی کتابداری به عمل آورند. این نکته قابل ذکر است که چرا در دانشگاه در یک نیمسال تحصیلی استادان گروه کتابداری فرصت یک بار دور هم جمع شدن را نمی یابند تا درباره مواد درسی و مشکلات دانشجویان و محتوای آموزشی مواد درسی تبادل نظر کنند.

۱۰. کمتر مشاهده شده است که استادان گروههای مختلف آموزشی همجوار و حتی مرتبط در طول یک دوره تحصیلی دور هم جمع شوند و نیازهای درون گروهی خود را با کتابداران در میان بگذارند. بارها اتفاق افتاده است که استادان گروههای آموزشی تخصصی به کتابداران اعتنای درخور و شایسته ای نمی کنند. اینجانب شاهد یک مورد بی اعتنائی بوده ام؛ از جمله اینکه وقتی از استاد رشته تخصصی تقاضای استرداد کتابهای امانتی به کتابخانه را کردم یا این جمله مواجه شدم که به رئیس دانشگاه گفتند این «کتابچی» دست از سر من بر نمی دارد. یعنی کتابدار را حتی به حرفه اش نمی خواهد و نمی شناسد.

۱۱. همان طور که در تولید کالا همیشه صرفه با تولید خوب و انبوه است و تولیدی در بازار سودآور است که استاندارد باشد و انبوه، این موضوع در مورد کتابداران نیز صدق می کند. یعنی کتابداران باید همگی خوب آموخته باشند و همگی از تخصص واقعی برخوردار شوند تا هم زود جذب بازار کار شوند و هم نیاز جامعه را برطرف نمایند. در آموزش کتابداری ما نقصهایی وجود دارد، از جمله اینکه برداشت و طرز تلقی اکثر سازمانها و نهادها این است که کتابداری خوب است که فهرست نویسی ورده بندی را خوب بدانند، درحالی که تنها یکی از مواد درسی کتابداری فهرست نویسی ورده بندی است. البته فهرست نویسی ورده بندی معیار است، ولی نباید اولویت نخست را داشته باشد. درست است که هر کتابخانه باید روشی داشته باشد و روش هم با سازماندهی مواد شروع می شود، ولی وظایف و خدمات و مسؤولیتهای کتابخانه تنها سازماندهی نیست. در آموخته های مقاطع مختلف کتابداری باید گرایشها را مد نظر داشت. یک کتابدار خوب باید سیاستگذاری و خط مشی و اداره کتابخانه را به خوبی بیاموزد و از عهده تمام وظایف کتابخانه برآید و در همه فعالیت های کتابخانه ای مهارت داشته باشد.

۱۲. پیشنهادهای اینجانب غالباً در متن پاسخها آمده است ولی جمع بندی نظرات به اختصار چنین است:

الف. در رشته کتابداری جامعیت آموزشی رعایت شود و به مدیریت و اداره کتابخانه توجه بیشتری مبذول گردد.

ب. به درس زبان و ادبیات فارسی در کتابداری بها داده شود و استادان مجرب و کارآموده به تدریس دعوت شوند.

فارغ التحصیلان مقاطع مختلف کتابداری نیاز مبرم دارند که به زبان و ادبیات فارسی تسلط داشته باشند، ما غالباً در فرقی زبان و ادبیات فارسی گرفتاریم.

ج. به زبان خارجی مخصوصاً انگلیسی بیشتر توجه شود، زیرا اغلب کتابهای کتابداری به زبان انگلیسی است. دانشجویان باید بتوانند مستقیماً به منابع تازه کتابداری دسترسی پیدا کنند و این میسر نمی شود مگر به زبان خارجی مسلط باشند. واحدهای آموزشی زبان بیشتر باشد و استادان مجرب و آزموده به تدریس دعوت شوند.

د. از تعداد دانشجویان در یک کلاس کتابداری کاسته شود. درس کتابداری غالباً باید به صورت کارگاهی و آزمایشگاهی ارائه شود و این نوع تدریس با تعداد زیاد دانشجویان در یک کلاس مطابقت ندارد.

ه. بورسهای تخصصی برای استادان جوان فراهم گردد تا تازه های کتابداری وارد آموزش کتابداری شود.

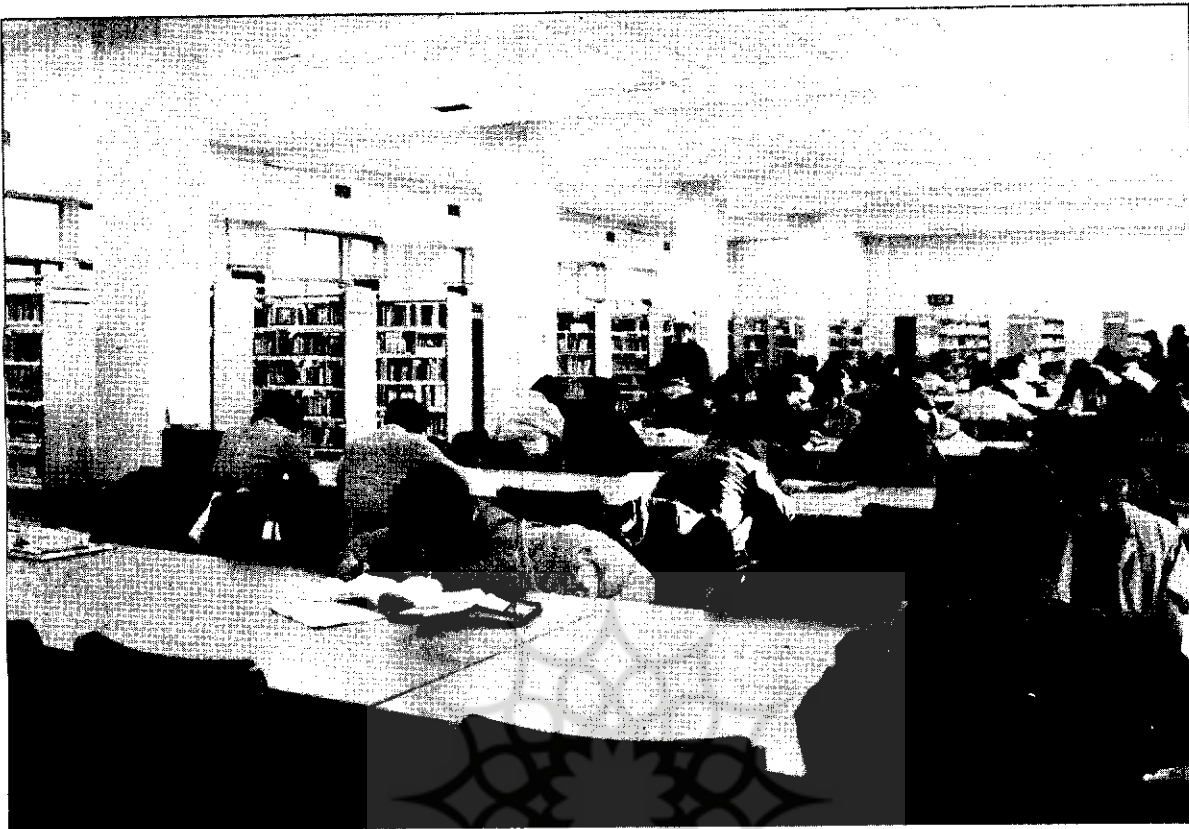
و. به نظرات و پیشنهاد های کتابداران جوان بها داده شود. سخنان آنها را بشنویم و بگذاریم در پیدا کردن راههای درست مشارکت داشته باشند.

ز. آموزش کتابداری به طریقی تنظیم و برنامه ریزی شود که در نهایت برای انواع کتابخانه ها از جمله کتابخانه های کودکان و نوجوانان، کتابخانه های آموزشگاهی، کتابخانه های عمومی و تخصصی و دیگر نهادها و سازمانهای اداری و بخشهای خصوصی کتابدار ورزیده تربیت شود.

ح. به اعتبارات بخش آموزش کتابداری و فعالیتهای فرهنگی و عمومی و اجتماعی و روابط عمومی آن اضافه گردد تا این رشته تحصیلی در جامعه بیشتر جا بیفتد و جوانان با ذوق و استعداد به تحصیل رشته کتابداری رغبت نشان دهند و با علاقه و درک بهتر جذب این رشته شوند.

ط. به رتبه و گروه شغلی کتابدار به صورت رسمی در شورای عالی انقلاب فرهنگی اهمیت بیشتری داده شود، مخصوصاً در جذب و نگاهداری کتابداران مرد و حتی پیشنهاد می شود که فسارخ التحصیلان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد این رشته به عنوان مهندسی یا عنوان مشابه دیگری شناخته شوند. چگونه است که بسیاری از رشته های کارشناسی مهندس شناخته می شوند در صورتی که با ساختمان و تدارکات و تجهیزات و ماشین و کارگاه سرو کار دارند، ولی کتابداران که برای تعالی فکر و اندیشه جامعه زحمت می کنند، و در حقیقت در کارخانه آدم سازی کار می کنند و معماران اصلی رشد فرهنگی و علمی و اجتماعی اند از این امتیاز محرومند؟





عضو هیات علمی دانشگاه تهران  
ثریا قزول ایلیغ

برنامه‌ریزی پشت درهای بسته توسط تعداد اندکی متخصص بدون نظرخواهی از گروه‌های آموزشی، بخصوص آنهایی که سوابق طولانی در امر آموزش دارند و بدون روند ارزشیابی مداوم که در هر مقطع به بررسی کیفیت برنامه‌ها و دگرگونی آنها بپردازد نتیجه منطقی اش همین عدم پویایی است که در حال حاضر شاهد آن هستیم.

اشکال این نیست که برنامه‌ریزان فعلی به درستی عمل نکرده‌اند، بلکه هرکس دیگری هم به جای آنها بود نتیجه چندان تفاوت نمی‌کرد. مسأله این است که نظام دانشگاهی با برنامه‌ریزی متمرکز جور در نمی‌آید. زیرا این شیوه قابلیت‌های گروه‌های آموزشی را که با صلاحیت‌ترین مرجع برای برنامه‌ریزی هستند ندیده می‌گیرد، انگیزه فعالیت علمی و سازنده را از اعضای هیات علمی سلب می‌کند، امکان‌باب روز کردن برنامه‌ها یا توجه به شیوه‌های متمرکز غیر ممکن می‌شود و طبیعتاً عدم پویایی برنامه‌ها سبب می‌شود که دانشجویان نیز از تحرک علمی لازم بی‌بهره بمانند.

به نظر می‌رسد پس از بیش از یک دهه تجربه برنامه متمرکز وقت آن رسیده باشد که به گروه‌های آموزشی امکان

در ابتدا باید از پیام کتابخانه به خاطر پرداختن به این معضل بزرگ کتابداری ایران سپاسگزاری کنم و آرزو کنم نتایج یک چنین نظرخواهی راه را برای حل این معضل به طریق صحیح و منطقی باز نماید.

۱. اجازه می‌خواهم با توجه به دوده تجربه در آموزش کتابداری عرض کنم که برنامه‌های آموزش کتابداری در ایران هیچ‌گاه آن گونه که باید، منطبق بر نیازهای جامعه نبوده است. در حال حاضر آموزش رسمی در سه مقطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه‌ها و مدارس و مراکز آموزش عالی جریان دارد که ظاهراً یک برنامه دکتری هم به آن اضافه شده که شخصاً کوچکترین اطلاعی از کم و کیف آن ندارم. مشکل کلی که به نظر من در ساختار برنامه‌های فعلی این سه مقطع مشاهده می‌شوند ناشی از «متمرکز» بودن آنهاست. این امر سبب شده که برنامه‌های درسی، پویایی و انعطاف‌پذیری لازم را برای هماهنگ شدن با پیشرفتهای علم کتابداری از یک طرف، و نیازهای بلافصل جامعه از طرف دیگر نداشته باشد.



داده شود تا در چارچوب نظم کلی دانشگاهی رأساً نسبت به برنامه ریزی اقدام نمایند. در کنار آن روش ارزشیابی دقیق و مستمر و علمی به کار بیفتد و برحسب انجام برنامه‌ها نظارتی علمی داشته باشد. در چنین حالتی رقابت سازنده بین گروه‌های آموزشی شکل می‌گیرد. رقابت برای برنامه ریزی بهتر جذب نیروی انسانی کارآزموده‌تر و دانشجویانی لایق‌تر. در این حالت قابلیت‌های اعضای هیأت علمی در گروه‌های آموزشی که به دلیل دنبال کردن برنامه‌ها ثابت و کلیشه‌ای تحلیل رفته است مجدداً ظاهر خواهد شد و سبب ایجاد تحرک در گروه‌های دانشجویی نیز خواهد گردید.

اشکال دیگری که از نظر محتوایی در برنامه‌های سه مقطع مشاهده می‌شود در برنامه‌های قبلی هم بوده است. حاکم بودن نوعی فن‌زدگی بیمارگونه است. عقب ماندگی تکنولوژیکی را نمی‌توان با ندیده گرفتن جامعیت علم کتابداری جبران کرد. کتابداری علمی است که ابعاد گوناگون دارد و در برنامه آموزش آن باید به گونه‌ای متعادل به همه ابعاد آن بها داده شود.

تنها یک نگاه کلی کافی است تا نتیجه بگیریم که دست‌پروردگان برنامه‌های کتابداری در ایران حداکثر اگر کیفیت محتوا و تدریس درسهای فنی‌شان هم مطلوب باشد تکنیسین‌ها خوبی خواهند شد، حال آنکه از برنامه‌های آموزشی انتظار می‌رود کتابدارانی لایق و کاردان و با «فرهنگ» پیروانند. کتابدارانی که علم خود را در خدمت جامعه بخواهند، شناخت درستی از جامعه خود داشته باشند و در ایجاد ارتباط و ارائه خدمات و اشاعه فرهنگ توانا باشند. لازمه رسیدن به این هدف ایجاد دگرگونی بنیادی در «نگرش» به آموزش کتابداری است.

۲. برای هرگونه اظهار نظر در این باره ابتدا باید شناختی از روشهای تدریس مدرسان وجود داشته باشد. متأسفانه به دلیل قطع ارتباط حرفه‌ای، اغلب مدرسانی که در گروه‌های آموزشی مختلف به کار تدریس درسهای واحدی می‌پردازند یا یکدیگر را نمی‌شناسند یا اگر شناختی هم باشد ارتباط علمی با هم ندارند. به عبارت دیگر جایی برای تبادل تجربه‌ها وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت با توجه به شرح درسهایی که به آنها دیکته شده، هر کدام با تکیه بر احاطه علمی و تجربه‌های شخصی به طور سلیقه‌ای عمل می‌کنند.

خوشبختانه ماهیت درسهای اختصاصی کتابداری به گونه‌ای است که به معلم اجازه درجا زدن علمی را نمی‌دهد. البته به شرط آنکه روش ارزشیابی، علمی و دقیق و مداوم باشد. در شرایط فعلی روش ارزشیابی بسیار مهم و نتایج آن غیر ملموس است. از طرف دیگر تأکید بیش از اندازه بر کمیت، بدون در

نظر گرفتن کیفیت سبب شده افراد به راحتی به تدریس درسهای گوناگون روی بیاورند. در این شرایط مدرس فرصت عمیق شدن را به دست نمی‌آورد و همه چیز در سطح باقی خواهد ماند.

در حد اطلاع به نظرم می‌رسد تعداد مدرسانی که دائماً در حال نو کردن معلومات و روشهای تدریس خود هستند اندک است. جو غالب، دنباله‌روی از سبک و سیاق پیش‌کسوتان است، بی‌هیچ نوآوری و ابتکار عمل. زیرا نوآوری یعنی گام برداشتن در راهی نرفته که طبعاً دردسر دارد و هرکسی رهرو این راه نیست.

ناگفته نماند که تمام مسؤولیت یکنواختی در تدریس را نمی‌توان متوجه مدرسان دانست، چرا که شرایط بیرونی هم استفاده از راه و روش نورا در تدریس تشویق نمی‌کند و امکانات آن را فراهم نمی‌آورد. هنوز هم در کلاسهای درس دانشگاه مثلاً برای نمایش دادن یک فیلم یا بردن دانشجویان به یک بازدید باید روزها دوندگی کرد.

۳. اگر کتابخانه در روند کلی هر آموزشی نقش تقویت کننده داشته باشد در آموزش کتابداری نقش آن حیاتی است. یعنی کتابخانه آزمایشگاه و میدان اصلی کسب تجربه عملی و نظری برای دانشجویان این رشته است. لذا وجود کتابخانه‌های مجهز در کنار گروه‌های آموزشی عامل تعیین کننده در جریان سالم و پویای آموزش است.

متأسفانه به دلیل تنگناهای گوناگون، کتابخانه‌های وابسته به گروه‌های آموزشی کتابداری که باید نمونه کاملی از یک کتابخانه پویا باشند، اغلب نمی‌توانند به درستی به ایفای نقش بپردازند و از نظر تجهیزات، امکانات مالی و پرسنلی بسیار فقیر هستند. این فقر بخصوص برای دانشجویان کارشناسی ارشد که باید پایان‌نامه‌های پژوهشی خود را با استفاده از آخرین دستاوردهای علمی - حرفه‌ای به انجام برسانند فاجعه‌آفرین است. با وجود آن اصل بدیهی که تأسیس دوره کتابداری بدون وجود یک کتابخانه مجهز قابل تصور نیست، متأسفانه می‌بینیم که به راحتی مجوز تأسیس دوره داده می‌شود بی‌آنکه حتی یک کتابخانه با حداقل امکانات وجود داشته باشد. وجه مهم تقویت برنامه‌های آموزش کتابداری تقویت بنیه علمی کتابخانه‌های وابسته به این گروه‌هاست که طبعاً سبب تقویت توان علمی استادان و دانشجویان برای تحقیق خواهد بود.

۴. ماهیت اغلب درسهای کتابداری به گونه‌ای است که تئوری با عمل توأم است و به آزمایشگاه‌های مختلفی نیاز دارد. از باب مثال درسهای مرجع بدون حضور در فضایی که انواع کتابهای مرجع در دسترس مدرس و دانشجو باشد قابل تصور





مدیریت کتابخانه یا مجموعه‌سازی موفق‌تر از کسی است که اصول مدیریت و قواعد مجموعه‌سازی را از لابلای متون استخراج می‌کند، بی‌آنکه خود حتی یک روز در مقام اداره یک کتابخانه قرار گرفته باشد.

حقیقت امر این است که دست کم برای بنده ضوابط و شیوه‌گزینش مدرس دانشگاه کاملاً مبهم است. کسانی را می‌بینم که پس از پایان یک مقطع از تحصیل بدون آنکه حتی یک روز در معرض تجربه عملی قرار گرفته باشند با یک بورس تحصیلی، عازم کسب مدرک عالی‌تر می‌شوند و در برگشت هم کسی جرأت چون و چرا در توان معلمی آنها را ندارد. وارد دانشگاه می‌شوند، وقتی جای پای خود را محکم کردند، دنبال کارهایی غیر از تدریس می‌روند. در کسوت معلمی می‌مانند و به لطایف المیل از کار معلمی می‌گریزند چرا که در ابتدا جوهر معلمی در آنها نبوده است. در شرایط کنونی مدرک تحصیلی جای توان معلمی را گرفته است. با سایر رشته‌ها کاری ندارم چرا که هر رشته شرایط خاصی دارد ولی بخصوص در رشته کتابداری کم نیستند کتابداران فرهیخته و توانمند و با فرهنگی که می‌توانند با اتکا به تجربه وسیعی که در میدان عمل کسب کرده‌اند به کار تدریس حیثیت بخشند ولی به دلیل جو مدرک زده خود را از کار تدریس کنار کشیده‌اند.

برای بنده که خود حدود دودهم در کسوت معلمی خدمت کرده‌ام بسیار دشوار است که به این حقیقت تلخ اعتراف کنم که بجز موارد استثنایی، حوزه آموزش کتابداری را از داشتن مدرسانی توانمند و فرهیخته و صاحب رأی بی‌بهره می‌بینم.

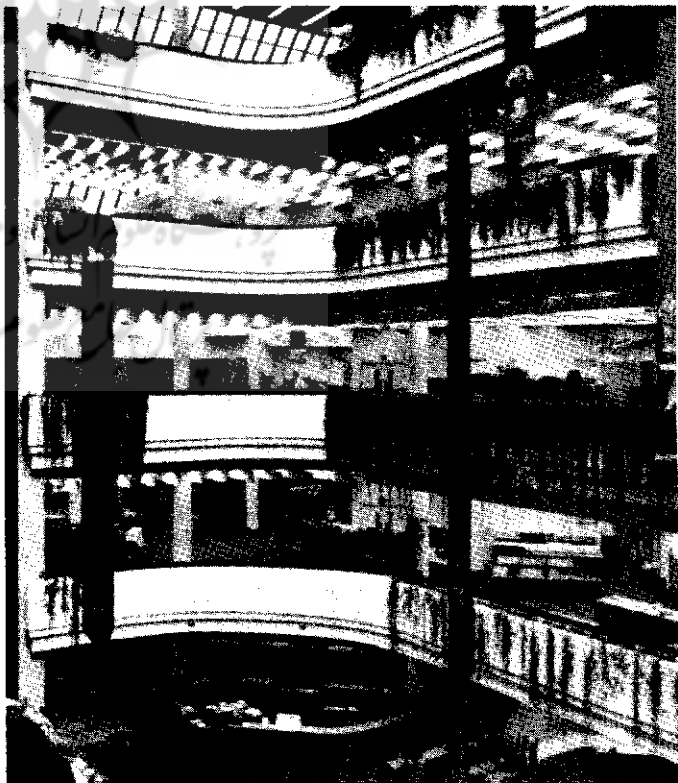
همه در دانشگاهها راجع به کیفیت فقط صحبت می‌کنند، ولی آنچه در آیین‌نامه‌های ریز و درشت ارتقای کمترین ارزش را دارد معلم خوب بودن است. کم‌بها دادن به کار تدریس، مدرک‌زدگی بیمارگونه و ندیده گرفتن تجربه، نبودن شیوه‌های صحیح ارزشیابی، بر بها دادن به کمیّت و فراموش کردن کیفیت، این گونه صحنه را خالی کرده است.

۶. کتابداری رشته‌ای است که با رشته‌های چندی نزدیکی و تداخل ماهوی دارد. اینکه اغلب گروه‌های آموزشی کتابداری در دانشکده‌های علوم تربیتی جای گرفته‌اند شاید نتیجه یکی از این تداخلهاست. کتابخانه در معنای وسیع کلمه یک نهاد آموزشی هم هست. لذا حضور گروه کتابداری در دانشکده‌های علوم تربیتی چندان بی‌منطق نیست. البته همین رابطه را هم مثلاً می‌تواند با رشته‌های مختلف علوم اجتماعی مثل ارتباطات و جامعه‌شناسی داشته باشد. به هر حال یک گروه آموزشی نمی‌تواند بدون وابستگی به

نیست. همین طور است درسهایی که ماهیت فنی دارند. لذا، علاوه بر کتابخانه مجهز، وجود آزمایشگاههای متعدد که در آن دانشجویان با آخرین دستاوردهای علمی و فنی حرفه خود آشنا شوند و همین طور آزمایشگاه سمعی و بصری که امکان استفاده از رسانه‌های غیر کتابی را در کار آموزش ممکن سازد ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۵. اعتقاد کلی بنده این است که معلمی در هر سطح که باشد جوهری می‌خواهد که در هر کسی نیست. می‌توان علامه دهر بود ولی این تضمین نمی‌کند که فرد معلم خوبی هم باشد. معلم دانشگاه را نمی‌توان تربیت کرد. صرف دارا بودن مدرک تحصیلی بالا هم جواز معلمی را صادر نمی‌کند. تنها کسانی که جوهر معلمی دارند و علاوه بر معلومات نظری به اصطلاح خاک گود خورده‌اند و در عرصه عمل هم دست دارند می‌توانند سختیها را تحمل کنند، خود را بسازند، معلومات خود را گسترش دهند، در راههای ترفته گام بگذارند و خود را به آب و آتش بزنند تا تبادل دانش و اطلاعات در بستری سالم صورت گیرد.

از باب مثال، کتابدار متخصصی که خود یک کتابخانه را تأسیس کرده، قدم به قدم آن را پیش برده و به بهترین شکل ممکن آن را اداره می‌کند به مراتب در کار تدریس درس



یک نهاد مادر، به حیات علمی خود ادامه دهد. برای کسب استقلال باید تبدیل به دانشکده شود که البته با توجه به ابعاد گسترده‌ای که کتابداری و علوم وابسته پیدا کرده، قابلیت تبدیل شدن به یک دانشکده را دارد مشروط بر آنکه شرایط علمی دانشکده شدن را احراز نماید. در شرایط فعلی شخصاً فکر می‌کنم که گروه‌های کتابداری با رشته‌های علوم ارتباط اجتماعی ارتباط نزدیکی داشته باشند تا با سایر رشته‌هایی که ذکر شد.

۷. مشکل گزینش دانشجو را نمی‌توان تنها مربوط به این رشته دانست. مشکل، مشکل عمومی است. علاقه‌داوطلبان به رشته و داشتن توانایی علمی برای تحصیل از شرط‌های اساسی است که در شیوه‌گزینش فعلی کلاً ندیده گرفته می‌شود. در مقاطع کاردانی و کارشناسی، تجربه کنکور سراسری در سال‌های اخیر نشان دهنده این مسأله است که اکثریت دانشجویانی که برای تحصیل به گروه کتابداری می‌آیند فاقد علاقه و شناخت کافی از رشته هستند. در مواردی هم توان علمی لازم را برای حضور موفق در برنامه ندارند و تعدادی از آنها می‌مانند. علاقه‌مند می‌شوند و کتابداران خوبی هم می‌شوند ولی بیشتر آنها با بی‌علاقگی و ازسرناچاری تا پایان برنامه می‌مانند، جایی را اشغال می‌کنند، باری به هر جهت درس می‌خوانند و با نمره‌های ضعیف بی‌آنکه بدانند که خواهند بود و چه خواهند شد گروه را ترک می‌کنند.

خاطرهم هست از سه دوره آموزش کتابداری در مقطع کارشناسی که قبل از انقلاب در گروه آموزشی کتابداری دانشگاه تهران برگزار شد گزینش دانشجو در دو دوره آن به عهده خود گروه بود. اکنون که زندگی حرفه‌ای این دانش‌آموختگان را مرور می‌کنم همگی را از سرآمدان کتابداری ایران می‌بینم که هر کدام در هر مکانی که قرار گرفته‌اند به ارائه خدمات ارزنده‌ای نسبت به جامعه نایل آمده‌اند.

در کارشناسی ارشد هم کم و بیش وضع به همین منوال است. گزینش متمرکز سبب شده است کسانی به وادی کتابداری پا بگذارند که نه شناخت و علاقه‌ای به رشته دارند و نه حتی می‌خواهند پس از فارغ‌التحصیل شدن به این کار بپردازند. فقط به مدرک چشم دوخته‌اند. می‌آیند، جایی را اشغال می‌کنند، برای تربیت آنها نیرو و بودجه صرف می‌شود ولی پس از فارغ‌التحصیل شدن به سرکارهای قبلی خود برمی‌گردند، بی‌آنکه تأثیری بر روند کتابداری ایران بر جای بگذارند. این در حالی است که علاقه‌مندان بسیاری که شاغل در کتابخانه‌ها هستند یا در مدارج پایین‌تر در رشته کتابداری درس خوانده‌اند پشت در می‌مانند.

نتیجه عملی این شیوه‌گزینش هرزرفتن سرمایه‌های مادی و معنوی است بی‌آنکه جامعه بتواند از نتایج آن مشفع شود. تحصیل در رده‌های بالا جایز نیست که به کسی اعطا شود. سرمایه‌گذاری جدی برای تربیت نیروی انسانی است تا کتابخانه‌ها را از رکود درآورند.

۸. ضرورت تأسیس یک مقطع تحصیلی در برنامه‌های آموزشی در ارتباط با نیازهای جامعه مطرح می‌شود. ظاهراً در این ارتباط مشکلی وجود دارد. از باب مثال دوره کاردانی کتابداری به قصد تربیت نیروی انسانی برای اداره کتابخانه‌های کوچک عمومی و مدارس تأسیس شد، حال آنکه نه آموزش و پرورش و نه کتابخانه‌های عمومی، هیچ‌یک به جذب این نیروها نپرداخت و حتی در مواردی هم موسسه‌هایی که بالقوه می‌توانستند از این نیروی انسانی بهره‌گیرند خود به طور جداگانه به تربیت نیرو پرداختند. نتیجه این شد که کاردانه‌ها جذب کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی شدند و حال آنکه اصولاً برای کار در آنجا تربیت نشده بودند.

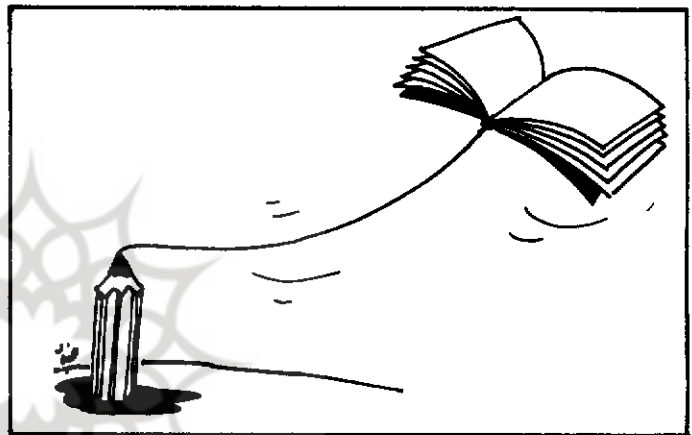


بنابراین، اگر هماهنگی بین دانشگاه‌ها و نهادها و سازمان‌هایی که بالقوه جذب‌کننده نیرو هستند وجود نداشته باشد تربیت نیرو راه خطایی را می‌پیماید. من به هیچ وجه منکر ارزش دوره‌های کوتاه مدت نیستم، چه بسا ممکن است جامعه نیازمند تربیت نیروی انسانی به طور ضربتی باشد و یا در شرایطی پرسنل کتابخانه‌ها نیازمند شرکت در دوره‌های بازآموزی باشند تا با تکنیکها و ابزارهای نوین حرفه خود آشنا شوند. مقوله دوره‌های کوتاه مدت مقوله





دیگری است، ولی اینکه هر مؤسسه خود مجوز تربیت نیروی انسانی بگیرد درست نیست. هر نهاد یا تشکیلاتی در جامعه وظیفه‌ای را به عهده دارد و دانشگاهها و مدارس عالی هم وظیفه دارند بخشی از نیروی انسانی مورد نیاز جامعه را تأمین کنند. حال اگر دست پروردگان نظام آموزشی نیاز مؤسسه‌ها را برآورده نمی‌سازند باید با ایجاد همکاری بیشتر بین نهادهای برنامه‌ریزی و سازمانهایی که نیازمند نیروی متخصص هستند مشکل را حل کرد و برنامه‌ها را به نیازهای جامعه نزدیک نمود، نه اینکه به هر سازمانی اجازه داد خود دوره آموزشی دایر نماید.



۹. اصولاً هیچگونه رابطه عملی بین گروههای آموزشی وجود ندارد؛ مثلاً در حال حاضر در شهر تهران ۶ مرکز به آموزش رسمی کتابداری می‌پردازد که عملاً هیچ گونه ارتباطی بین این مراکز وجود ندارد. ممکن است مدرسانی در چند مرکز تدریس کنند ولی آن ارتباط علمی که سبب تبادل اطلاعات و تجربه‌ها می‌شود وجود ندارد. دیگر وضع ارتباط با گروههای شهرستانی را می‌توان قیاس کرد.

منطق حکم می‌کند که بین همه گروههای آموزشی نوعی ارتباط علمی مستمر وجود داشته باشد تا از طریق تبادل تجربه به غنای آموزش افزوده شود. در حال حاضر جامعه کتابداری ایران از کمبود یک انجمن حرفه‌ای به شدت لطمه می‌بیند، که طبعاً بخشی از این لطمه متوجه آموزش کتابداری است. هر چه دیرتر به ایجاد تشکل حرفه‌ای پردازیم ضررهای آن بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود.

۱۰. از سایر گروههای آموزشی چندان اطلاعی ندارم ولی در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران این رابطه را بسیار ضعیف ارزیابی می‌کنم. سالها با ما همجوار هستند نه می‌دانند کتابداری چیست و چه می‌تواند برای آنها بکند و نه می‌خواهند بدانند. تنها رابطه، تدریس ۲ واحد درس آشنایی با استفاده از



کتابخانه است که گروه کتابداری برای آنها تدریس می‌کند. در گذشته وجود برنامه‌های کهد این خاصیت را داشت که اجازه می‌داد دانشجویان تعدادی از واحدهای درسی خود را در رشته‌های همجوار بگذرانند. ما دانشجویانی از رشته‌های همجوار داشتیم که پس از فارغ التحصیلی با استفاده از رشته فرعی خود کار را شروع کردند. برنامه‌های کهد را برای ایجاد ارتباط منطقی بین رشته‌ای بسیار مثبت می‌بینم. همین طور گذاشتن درسهای انتخابی یا آزاد که دانشجویان رشته‌های همجوار را با برنامه‌های سایر رشته‌ها آشنا نماید. بخصوص رشته کتابداری که به دلیل نیاز همه رشته‌ها به استفاده صحیح از منابع کتابخانه می‌تواند به همه دانشجویان در همه رشته‌ها بخصوص رشته‌های همجوار کمک کند.

پیشنهاد شخصی من این است که روی برنامه‌های کهد کمی بیشتر فکر شود و تلاش شود با رفع نواقصی که در گذشته داشت دوباره از سر گرفته شود یا دست کم در رشته‌های همجوار دروس انتخابی و آزاد دایر گردد.

۱۱. قبلاً عرض شد که سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی انسانی اگر بدون ارزیابی صحیح از نیازهای کوتاه مدت و بلند مدت جامعه باشد سرمایه‌گذاری عبثی خواهد بود. متأسفانه در حال حاضر نیازهای جامعه در جهت دیگری سیر می‌کند و آموزش کتابداری هم راه خود را طی می‌کند. نتیجه اینکه کتابخانه‌های عمومی شهری و روستایی ما هنوز کتابدار دوره دیده ندارند. مدارس ما همچنان بدون کتابخانه و کتابدارند و از همه دردآورتر اینکه اغلب کتابخانه‌های بزرگ دانشگاهی ما را هم غیر کتابداران اداره می‌کنند.

۱۲. مشکل آموزش کتابداری به گونه‌ای نیست که بشود برای آن نسخه‌ای پیچید. بر رسیه‌های اساسی لازم دارد. شاید نتیجه این نظرخواهی جنبه‌های پنهان و ریشه‌های اساسی مشکل را آشکار کند. آنچه ذکر می‌کنم نکته‌های بسیار کلی است که به نظرم می‌رسد.

در درجه اول مقدم سپردن اختیار برنامه‌ریزی، گزینش است و حتی الامکان گزینش دانشجویان گروههای آموزشی ضرورت است. اگر سپردن گزینش دانشجویان به گروهها ممکن نباشد، دست کم باید ضوابط اعلام شده گروههای آموزشی در دفترچه‌های کنکور ثبت شود تا هر گروه آموزشی بتواند نیروی دلخواه را جذب نماید و علاقه‌مندان و کسانی که توانایی علمی لازم برای وارد شدن به این حرفه را دارند در آن مشغول به تحصیل شوند. دیگر آنکه هر چه سریعتر نسبت به تشکیل یک انجمن حرفه‌ای اقدام شود تا ارتباط علمی قطع شده بین کتابداران ایران دوباره برقرار گردد.

مقاطع بعدی به حساب می‌آیند. در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی بیشتر مدرسان به طور متعارف در دوره‌های تحصیلی به کارهای پژوهشی نمی‌پردازند و معمولاً از پشتیبانی تحقیقی برخوردار نیستند. اساساً رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی با واحدهای پژوهشی و مؤسسات تحقیقی پشتیبانی نشده‌اند و نمی‌شوند. فی‌المثل در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران در کنار گروه آموزش کتابداری یک واحد یا دفتر تحقیق به تبع گروه آموزشی کتابداری دیده نمی‌شود و این امر در سایر دانشگاه‌ها و مدارس عالی نیز دیده می‌شود. پاره‌ای از استادان در مؤسسات غیرآموزشی به کارهای تحقیقی می‌پردازند که این امر از برجستگی‌های روش تدریس مدرسان محقق است. در عین حال رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی چون یقیناً از نوع رشته‌های فنی به حساب می‌آیند و در واقع از جنبه نظری ضعیف‌تری برخوردار است، باید مجهز به آزمایشگاه کتابداری باشد، که این امر هم نادیده گرفته می‌شود.

۳. صرف وجود کتابخانه در یک دانشکده به مثابه مادر گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی، و حتی غنی بودن چنین کتابخانه‌ای، بر کتابخانه‌ای از نوع تحقیقی دلالت ندارد. کتابخانه‌های مورد استفاده دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی باید از نوع آزمایشگاهی باشد که دانشجویان این رشته بتوانند کلیه امور فنی کتابداری و اطلاع‌رسانی را در آن مورد آزمایش و عمل قرار دهند. و طبیعتاً وجود کامپیوتر و دستگاه‌های جانبی و مکمل آن برای تحقق و استقرار چنین آزمایشگاهی ضروری است.

۴. کلیه تجهیزات و لوازمی که امروزه در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی کاربرد دارند - از «رج‌بند» (سورتر) گرفته تا کامپیوتر و چاپگر و... - ضروری است و طبیعتاً دانشجویان مقاطع مختلف در سطح تحصیلی به وسایل و تجهیزات و لوازم خاص خود احتیاج دارند که بایستی در آزمایشگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی در کنار کتابخانه‌ای جامع، ایجاد شده باشد.

۵. برحسب پراکندگی دانشگاه‌ها و مدارس عالی کتابداری و اطلاع‌رسانی، می‌توان به این نتیجه دست یافت که بیشتر مدرسان کارآمد و کارآموزی در تهران متمرکز شده‌اند و می‌توان گفت دانشگاه‌ها و مدارس عالی در سطح تهران با وفور استادان مجرب روبروست. ولی در استانها این رشته به شدت از فقدان استادان کافی، و کمبود استادان مجرب رنج می‌برد و عمدتاً از استادان رشته‌های دیگر برای تدریس در این رشته استفاده می‌شود که رشته کتابداری را از هویت ویژه خود دور می‌سازد.

۶. در بررسی جایگاه تشکیلاتی کتابداری و اطلاع‌رسانی، از آنجا که آن را با کتابخانه در ارتباط می‌دانند و کتابخانه را



۱. مقاطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی ارشد به دلیل سابقه تاریخی آموزش کتابداری در ایران به تقریب جا افتاده و از قوام بیشتری برخوردار است. سایر مقاطع تحصیلی (کارشناسی و دکتری) از قوام سایر مقاطع برخوردار نیستند. این امر نوعی عدم توازن در کل کتابداری و اطلاع‌رسانی (در مقیاس تحصیلی و مقاطع وابسته به آن) ایجاد کرده است که به رغم کوشش انجام گرفته از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، و شورای عالی انقلاب فرهنگی یک برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ صورت گرفته است و اعمال هم نمی‌شود. این پراکندگی از نوع توزیع جغرافیایی دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور هم متأثر است که به طور متعارف دانشگاه‌ها و مدارس عالی استانها از نایکدستی بیشتر برنامه‌های درسی رنج می‌برند که با کمبود استاد و نیروی متخصص این امر تشدید می‌شود.

۲. در ارتباط با مقاطع تحصیلی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌توان این دیدگاه را مورد نظر قرار داد که در مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری از استادان و پژوهشگران والا و برجسته‌ای استفاده می‌شود و به طور متعارف این مدرسان تمایلی به تدریس در مقاطع کاردانی و کارشناسی ندارند، گرچه دوره‌های کاردانی و کارشناسی به منزله بنیاد و پایه





نهادی آموزشی به حساب آورده اند، این تصور ایجاد شده است که رشته کتابداری و اطلاع رسانی با کتابخانه های علوم تربیتی یا دانشکده های علوم تربیتی و حتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ارتباط دارند، و این امر جایگاه تشکیلاتی غلطی را برای این رشته ایجاد کرده است. در ساده ترین تحلیل باید گفت اگر چنین است، پس کتابخانه های صنعتی نیز نیازمند ایجاد رشته کتابداری در دانشکده های فنی و... است. برای این رشته تأسیس یک دانشکده مستقل یا یک واحد آموزشی مستقل الزامی و ضروری است.

۷. برای شیوه گزینش، معیارها و ضوابط مشخص وجود ندارد و قبولی در کنکور نیز همانند سایر رشته هاست. این امر نشان می دهد که شیوه ای خاص برای این رشته وجود ندارد تا بتوان نقاط قوت یا ضعف آن را تعیین کرد. در بعضی موارد برای گزینش «مصاحبه» منظور می دارند که عملاً مبنا همان قبولی در کنکور یا آزمون ورودی است که همان شیوه بدون ضابطه خاص است. کنکور برای ورود به دانشگاهها و مدارس مهمترین نقطه ضعف «نظام آموزش عالی» ایران است.

۸. اساساً بین آموزش کتابداری و اطلاع رسانی در مقاطع مختلف تحصیلی و دوره های آموزشی کوتاه مدت و بلند مدت دانشگاهی و سازمانی موجود، هیچ گونه رابطه منسجم و ملموس وجود ندارد و حتی معلوم نیست که این آموزش (در هر سطحی) به چه منظور انجام می گیرد. برنامه ریزی دقیق آموزشی و درسی برای دوره های کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت وجود ندارد و در بعضی موارد برنامه ای مشخص موجود نیست. برخی از مؤسسات و سازمانها نیز دست به تدارک دوره های آموزشی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت می زنند که معلوم نیست برای پاسخگویی به کدام نیاز است؟

۹. اساساً رابطه ای ملموس و کارساز بین گروه های آموزشی دانشگاهی در رشته کتابداری و اطلاع رسانی به طور اخص، و سایر رشته ها به طور اعم، وجود ندارد؛ و یک سلسله ارتباطات اداری و بوروکراتیک از طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی ایجاد می شود که از ناحیه امور اداری عملاً به بن بست می رسد. در این زمینه حتی همین رابطه نارسا بین وزارت فرهنگ و آموزش عالی، و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که مدیریت کتابخانه های عمومی را به عهده دارد و به برگزاری دوره های آموزشی نیز اقدام می کند، اصلاً وجود ندارد. براساس این مباحث به این نتیجه می توان رسید که نه دانشگاهها و مدارس عالی، نه وزارت فرهنگ و آموزش عالی، و نه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و نه کتابخانه ملی ایران، هیچ یک براساس وظایف مشخص (در زمینه کتابداری و اطلاع رسانی) به یکدیگر مرتبط نمی شوند.

۱۰. رشته های همجواری رشته های تبعی و رشته های پشتیبان برای رشته کتابداری و اطلاع رسانی، که در جایگاه خود رشته های مستقل و قائم بالذات به حساب می آیند، جدای از هم عمل می کنند. فی المثل بین رشته «کتابداری و اطلاع رسانی»، و رشته «کامپیوتر و ریاضی» که اساساً باید رابطه ای کاملاً روشن و صریح و ملموس باشد، پیوندی وجود ندارد. از یک سو رشته کامپیوتر با رشته ریاضی، و از سوی دیگر بین رشته کامپیوتر و رشته آمار ارتباط برقرار شده است (که آن هم در قالب روابط دانشگاهی یا دانشکده ای نیست)، و معلوم نیست مهمترین زمینه کاربری کامپیوتر و انفورماتیک و اطلاع رسانی، که «کتابداری و اطلاع رسانی» باشد، چه رابطه ای با چنین رشته هایی دارد؟

۱۱. الزاماً آموزش نباید برای بازار کار باشد. از این جهت پاره ای از آموزشهای کتابداری و اطلاع رسانی گرچه برای بازار کار نیست ولی ضروری است. در حال حاضر امکان ارزیابی رابطه بین آموخته های فارغ التحصیلان مقاطع مختلف رشته کتابداری و اطلاع رسانی با بازار کار وجود ندارد، چه آنچنان عده فارغ التحصیلان این رشته ناچیز است که همگی جذب بازار کار می شوند (و حتی قبل از فارغ التحصیلی به استخدام در می آیند).

۱۲. به گمان بنده مطالب کلی زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

الف. تدوین برنامه جامع آموزشی برای رشته کتابداری و اطلاع رسانی به منظور روشن کردن روابط این رشته با رشته های تبعی و همجواری و کل رشته های دانشگاهی.

ب. تدوین و تنظیم برنامه درسی که در دوره های تحصیلی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت قابل تجدید نظر باشد، تا بتوان با کل برنامه های درسی این رشته در مقاطع مختلف ارتباط برقرار کرد و تمامی آموزش رشته کتابداری را در برنامه ای هماهنگ و جامع ارائه داد.

ج. ایجاد دانشکده ها، مدارس عالی، و واحدهای آموزشی مستقلی برای رشته کتابداری و اطلاع رسانی تا بتوان برای همه سطوح و بخشها و زیربخشهای اقتصادی، اجتماعی و... به تربیت کتابدار، و اطلاع رسانی پرداخت.

د. تغییر در شیوه گزینش دانشجویان برای این رشته، و اعمال یک سلسله ضوابط گزینش مبتنی بر تواناییهای علمی افراد قابل گزینش در چارچوب طرح جامع آموزشی کتابداری و اطلاع رسانی برای این رشته.

ه. تربیت کتابدار و کارشناسان متخصص در رشته های مختلف (فی المثل تربیت کتابدار برای رشته های حقوق، اقتصاد، بازرگانی، فنی - مهندسی و...).







حسین مختاری معمار  
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

در خصوص «نقش و تواناییهای» فارغ التحصیلان این مقطع چنین آمده است:

الف. اداره کتابخانه‌های کوچک مراکز اسلامی (مساجد، حسینیه‌ها و غیره) رستاهای، آموزشگاهها (دبستان و دوره راهنمایی) و کودکان.

ب. اداره کتابخانه‌های عمومی شهرهای کوچک و بزرگ (بجز کتابخانه‌های مرکزی مراکز استانها).

ج. کار در کتابخانه‌های عمومی مراکز استانها زیر نظر متخصصان سطوح بالاتر.

د. انجام وظایف نیمه حرفه‌ای در کتابخانه‌های دانشگاهی، تخصصی، ملی و مراکز خدمات کتابداری زیر نظر متخصصان سطوح بالاتر.<sup>۲</sup>

آن گونه که از محتوای نکات فوق استنباط می‌شود، ماهیت این دوره‌ها بیشتر عمل‌کردی و کاربردی است. بنابراین دروسی هم که برای این دوره در نظر گرفته شده باید به جنبه‌های عملی بیشتر اهمیت دهد. مروری بر دروس تخصصی و غیرتخصصی دوره کاردانی نشان می‌دهد که

۱. برای پاسخ به این سؤال باید دید برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی در رشته کتابداری به چه منظوری و برای دستیابی به چه اهدافی تدوین شده و آموزش بینندگان را برای انجام چه کارهایی و برعهده گرفتن چه مسؤولیتی آماده می‌سازد. اگر بعد از پایان آموزش، که در آن شرایط دیگری مثل مدرس و منابع و... نیز فراهم بوده، فرد فارغ التحصیل بتواند از عهده امور مسؤولیت‌های محوله به خوبی برآید می‌توان گفت که برنامه درسی خوب تدوین شده و از محتوای سازنده‌ای برخوردار بوده و در نتیجه برنامه موفقیت‌آمیزی از آب درآمده است.

برای این منظور برنامه درسی مقاطع کاردانی و کارشناسی منفرداً و کارشناسی ارشد و دکتری را توأمأ مورد توجه قرار می‌دهیم.

ستاد انقلاب فرهنگی هدف از برگزاری دوره کاردانی را این گونه تعریف می‌کند: «... تربیت کتابداران نیمه حرفه‌ای... که بتوانند با متخصصان حرفه‌ای این رشته در کتابخانه‌های بزرگ، امور مربوط به کتابداری را در سطوح پایین‌تر به عهده بگیرند.»<sup>۱</sup> در جای دیگری از سند مزبور





برنامه آن، در صورت وجود شرایط لازم دیگر، می‌تواند فارغ التحصیلان را برای انجام وظایف و مسؤلیتهای تعیین شده تربیت کند. تنها نکته‌ای که ذکر آن در اینجا لازم است این که با توجه به پدیده جدید تکنولوژی اطلاعات و نفوذ روزافزون کامپیوتر در انواع مختلف کتابخانه‌ها ضروری است درسی مانند آشنایی با کامپیوتر و بانکهای اطلاعاتی جزو دروس این دوره منظور شود، به طوری که فارغ التحصیل این مقطع بتواند آشنایی اولیه با آن به دست آورده و از کامپیوتر برای انجام کارهای ساده‌ای مثل ورود اطلاعات، جست و جو ساده و اخذ اطلاعات و گرفتن نسخه چاپی از آن و... استفاده کند.

در مقطع کارشناسی، هدف چنین تعیین شده است: «... آشنا ساختن دانشجویان با اهمیت نقش کتابخانه در گسترش فرهنگ و علوم و فنون در جامعه... به نحوی که آمادگی لازم را در جهت کار در انواع مختلف کتابخانه‌ها پیدا کنند و مهارتهای لازم را در انجام این امور کسب نمایند»<sup>۲</sup>. و در جای دیگر درباره نقش و توانایی فارغ التحصیلان این سطح از رشته کتابداری چنین آمده است:

الف. اداره کتابخانه‌های عمومی و آموزشگاهی در شهرهای بزرگ استانها.

ب. اداره کتابخانه‌های تخصصی کوچک با توجه به زمینه موضوعی (غیرکتابداری).

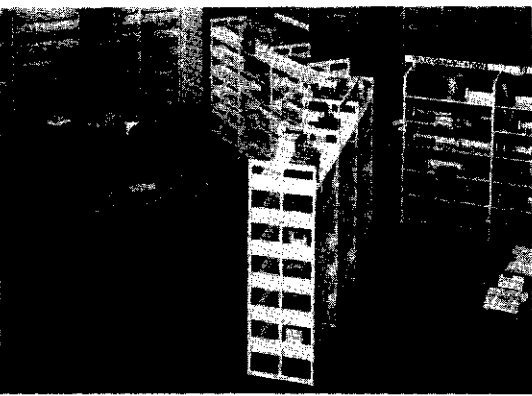
ج. انجام امور فنی و خدماتی در کتابخانه‌های عمومی، دانشگاهی و تخصصی بزرگ زیر نظر متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی.<sup>۳</sup>

تصور نمی‌کنم دروسی که در این مقطع برای رسیدن به قسمت اول هدف مذکور (یعنی آشنا ساختن دانشجویان به اهمیت نقش کتابخانه در گسترش فرهنگ و علوم و فنون در جامعه) در برنامه درسی منظور شده وافی به مقصود باشد. فرهنگ موضوع پیچیده‌ای است و تمام شؤون زندگی اجتماعی هر جامعه‌ای را در برمی‌گیرد. برای شناختن فرهنگ هر جامعه باید همه جنبه‌های دخیل در آن را به خوبی شناخت. باید دید اولاً تاریخ تمدن، تاریخ فرهنگ، تاریخ هنر، ... (با تأکید بر تمدن و فرهنگ و هنرهای ملی و مذهبی) در کدام دروس به تفصیل بحث شده و ثانیاً سهم کتابخانه در ظهور و اعتلا و احیانا اضمحلال آنها چه بوده است. از طرف دیگر شناخت فرهنگ جامعه و مسائل و مشکلات اجتماعی عصر حاضر برای کتابدار ضروری است. در صورتی که در نظام آموزش کتابداری ما دروسی که مسائل و مشکلات اجتماعی و ارتباط آن با مسائل و مشکلات کتابخانه و کتابداری را بیان کند وجود ندارد. همچنین است فلسفه کتابداری که برای

دانشجوی کتابداری روشن نمی‌شود. کتابداری حرفه‌ای سرویس محور است و کتابداران باید خود را در خدمت جامعه بدانند و خود را وقف آن کنند. ولی در کدام یک از دروس کتابداری مفهوم عمیق این فلسفه برای دانشجویان بیان می‌شود و آنها را برای خدمت به جامعه تربیت می‌کند؟ نظام آموزش کتابداری در کشور ما به گونه‌ای است که دانشجویان ما را به فراگرفتن کارهای فنی کتابخانه و مخصوصاً فهرست‌نویسی و رده‌بندی تشویق می‌کند. دانشجوی کتابداری تصور می‌کند که کار کتابداری در فهرست‌نویسی و رده‌بندی مواد کتابخانه خلاصه می‌شود، و بنابراین یادگیری کارهای فنی را علی‌رغم دشواری آنها، به فراگیری دروس مثلاً مرجع و خدمات عمومی ترجیح می‌دهد. این نشان می‌دهد که دانشجویان ما داند سازماندهی مجموعه وسیله است نه هدف و از فلسفه کتابداری بی‌خبر است. دروس کتابداری باید دیدی وسیع و چشم‌اندازی گسترده از تأثیر و تأثر کتابخانه و جامعه را پیش روی کتابدار روشن کند.

برای دستیابی به قسمت دوم هدف مفروض به این مقطع (یعنی کسب آمادگی و مهارتهای لازم جهت کار در انواع مختلف کتابخانه‌ها) ذکر چند مطلب حائز اهمیت است:

مطلب اول به منابع موجود در رشته کتابداری برمی‌گردد. رشته کتابداری به طور کلی از نظر داشتن منابع به زبان فارسی بسیار فقیر است و تاکنون برای هیچ یک از دروس، کتاب درسی تدوین نشده است. گرچه این نقیصه را تلاشهای بی‌وقفه مدرسان دلسوز در قالب یادداشتهای کلامی یا حتی جزوه درسی به ظاهر مرتفع می‌سازد ولی آیا همه کتابداری همین است که در کلاس توسط استاد گفته می‌شود؟! حتی اگر دانشجو همه گفته‌های استاد را در کلاس درس با دقت تمام تحویل گرفته و منابع معرفی شده به زبان فارسی را هم مطالعه کند باز هم حق مطلب در مورد هر کدام از دروس، آن گونه که باید، ادا نشده و دانشجویان



آخرین پدیده‌های علم کتابداری بی بهره است و در مرزهای دانش قرار ندارد. درحالی که می‌دانیم آخرین پدیده‌های همه علوم و از جمله علم کتابداری در نشریات خارجی و عمدتاً به زبان انگلیسی درج و منتشر می‌شود. از طرف دیگر، بسیاری از ابزارهای کار کتابداری مانند نظام‌های رده‌بندی، سرعنوانهای موضوعی، نمایه‌ها و چکیده‌های علوم و فنون مختلف، اصطلاحنامه‌ها یا منابع مرجع خارجی مورد استفاده در کتابخانه‌های ما... عمدتاً به زبان انگلیسی است. خلاصه اینکه دانشجوی مقطع کارشناسی برای کسب اطلاع از آخرین پیشرفتهای کتابداری جهت کاربرد آنها در انواع مختلف کتابخانه‌ها و استفاده بهینه از ابزار کار، به شدت به منابع خارجی، بویژه به زبان انگلیسی، وابسته است. درحالی که بسیاری از دانشجویان رشته کتابداری به هنگام فراغ از تحصیل بهره کافی از زبان انگلیسی نبرده و در استفاده از ابزار کار و در مطالعه مقدمه یک کتاب به زبان انگلیسی برای درک موضوع آن به منظور مثلاً فهرست‌نویسی ورده‌بندی یا پاسخ به سؤال مرجع ناتوان هستند. اینان در اصل فن و مهارت لازم برای آن کار را کسب کرده‌اند ولی چون انگلیسی خوب نمی‌دانند حاصل کارشان چندان قابل توجه نخواهد بود. به عبارت دیگر، هشت واحد درس زبان انگلیسی (چهار واحد عمومی و چهار واحد متون تخصصی انگلیسی) در برنامه کارشناسی، آنان را برای انجام کاری که باید به عهده بگیرند آماده نمی‌کند.<sup>۵</sup>

نکته دوم بازهم در مورد تکنولوژی جدید و کاربرد کامپیوتر در کتابخانه‌ها است. دودرس آشنایی با بانکهای اطلاعاتی و مبانی کامپیوتر و برنامه‌ریزی درحال حاضر برای دانشجویان مقطع کارشناسی این رشته تدریس می‌شود. تدریس نظری این دو درس دانشجوی رشته کتابداری را به اندازه کافی با کامپیوتر و قابلیت‌های آن آشنا نمی‌سازد و دانشجو بعد از فراغ از تحصیل آن را خوب نمی‌شناسد و نسبت



به آن احساس بیگانگی می‌کند. شاید یکی از علتها در این زمینه کمبود کامپیوتر در محیط درس و کثرت تعداد دانشجویان باشد. کامپیوتر در کتابخانه‌ها اکنون به منزله یک ابزار مطرح است و صرف آشنایی با آن برای دانشجو کافی نیست. دانشجو باید عمیقاً آن را بشناسد و قابلیت‌ها و تواناییهای آن را بداند و با آن انس بگیرد. دودرس فوق‌الذکر یا هر درس دیگری که به جای اینها یا در جوار اینها تدریس شود باید کاربردهای کامپیوتر در کتابخانه برای عمل‌آوری اطلاعات را یک به یک به دانشجو بیاموزد و به او فرصت داده شود که عملاً با کامپیوتر کار کند. کتابخانه‌های آینده ما بدون کامپیوتر از انجام رسالت خود باز خواهند ماند.

نکته سوم اینکه چرا مدیران کتابخانه‌ها را اغلب از غیرکتابداران انتخاب می‌کنند؟ آیا آنچه آنها در دوران تحصیل فرا گرفته‌اند برای تقبل مسؤلیت کتابخانه کافی نیست؟ آیا فراغ التحصیلان ما اطمینان کافی به خود ندارند و دچار ضعف شخصیت هستند؟ ما باید درسی داشته باشیم که نحوه ایجاد روابط عمومی مؤثر و کارآمد با مسؤولان سازمان مادر، شیوه برقراری ارتباط با مراجعه‌کنندگان، اخلاق کتابدار، ... و از این قبیل مسائل مربوط به اجتماع و محیط کار را به دانشجو بیاموزد. شاید بخشی از این مطالب در قالب دروسی مانند اصول کار مرجع و خدمات عمومی، که اولی جزو دروس اجباری و دومی اختیاری است کم و بیش منظور شده باشد. درحالی که احساس می‌کنم پرداختن به این موضوعات عمق بیشتری می‌طلبد تا کتابدار را در ارتباط با جامعه‌ای که او برایش کار می‌کند موفق‌تر سازد.

مطلب آخر در این مورد این است که فراغ التحصیلان ما در بدو ورود به محیط کار، اعم از اینکه کتابخانه دانشگاهی باشد یا عمومی یا تخصصی، مدتی طول می‌کشد تا خود را با محیط وفق دهند. به عبارت دیگر آنان در ابتدای کار احساس غریبگی می‌کنند. این امر حاکی از آن است که چهار سال تحصیلات دانشگاهی آن گونه که باید دانشجویان را به محیط کار آشنا نمی‌سازد. گرایشهای موجود در مقطع کارشناسی برحسب علوم انسانی، علوم پایه و چند گرایش دیگر است و دانشجویان را برای کار در نوع خاصی از کتابخانه‌ها (دانشگاهی، عمومی، تخصصی، آموزشی، ... آماده نمی‌کند. لذا دانشجو پس از فراغ از تحصیل و در آغاز کار لازم است مدتی را صرف شناخت محیط و نوع سازمان و جامعه استفاده‌کننده کند. چه خوب بود که در جوار آموزش دروس گرایشی به دانشجو، ماهیت کار در انواع مختلف کتابخانه‌ها نیز به آنان تدریس می‌شد و دانشجو شناخت کافی از انواع مختلف کتابخانه‌ها و سازمانهای مادر را پیدا می‌کرد.





تخصصی، تربیت پژوهشگر و مدیر برای کتابخانه‌ها و مراکز اسناد، پرداختن به فلسفه کتابداری و برنامه‌ریزیها و سیاستگذاریهای کلان در این رشته و در سطح کشور و آموزش و پژوهش مطرح است. بررسی دوره کارشناسی ارشد (و دروس دوره دکتری تا جایی که اینجانب اطلاع دارد و فعلاً تنها در دانشگاه آزاد اسلامی دایر است) نشان می‌دهد که هیچ کدام از این دو مقطع، دانشجویان را برای مدرسی این رشته آماده و تربیت نمی‌کند. پیشنهاد می‌کنم از مقطع کارشناسی به بعد دو شاخه مشخص داشته باشیم؛ شاخه تربیت کتابدار و شاخه تربیت مدرس. برای دستیابی به شاخه دوم، گنج‌اندیدن دروسی در برنامه که علاقه‌مندان را به معلمی سوق دهد کارساز خواهد بود.

**۲۰۲.** برای پاسخ به این دو سؤال، از میان همه عوامل لازم، سه عامل عمده علم، بیان، و آگاهی به روشهای تدریس و اداره کلاس را مورد توجه قرار می‌دهیم. به نظر اینجانب شرط اول معلمی داشتن علم و احاطه لازم و کافی به موضوع مورد تدریس است. معلم باید نسبت به درسی که می‌خواهد بدهد به اندازه کافی اشراف داشته باشد. این اشراف از مطالعه مستمر، تحقیق و جست‌وجو حاصل خواهد شد. با احاطه نسبت به موضوع، معلم می‌تواند (در صورت داشتن شرایط دیگر) تمام ریزه کاریها و جوانب امر را با تمام ظرایفش به متعلم منتقل کند، سؤال برانگیزاند، تخم جست‌وجو را در اذهان بکار و سوالات مطرح شده را پاسخ گوید.

مدرسان این رشته را از این نظر به دو گروه باید تقسیم کرد: گروه اول کسانی هستند که از زمان اشتغال به تدریس در دانشگاهها هرگز (و به هر علتی که بوده) فرصت شرکت در کنفرانسهای خارجی (و گاهی هم داخلی) را به دست نیاورده‌اند. هیچ کلاس بازاری ندیده‌اند، در کارگاهی شرکت نکرده‌اند و فکر و اندیشه خود را از این راهها صیقل نداده‌اند. اینان آنچه را خود در دوران تحصیل فرا گرفته‌اند با مطالعاتی که انجام داده و می‌دهند و تجربیات سالیان تدریس درهم آمیخته سعی می‌کنند اطلاعاتی را به دانشجویان تحویل دهند. بدیهی است آموزش مداوم مدرسان می‌تواند اطلاعات آنان را روزآمد کرده و کیفیت تدریس را بالا ببرد.

گروه دوم کسانی هستند که پویایی بیشتری دارند، در هر سمینار و کنفرانسی شرکت می‌جویند، سخنرانی می‌کنند، مقاله می‌دهند و مقاله می‌شنوند! در کنفرانسهای بین‌المللی حضور پیدا می‌کنند، به مبادله افکار و اندیشه‌ها می‌پردازند و همواره دستی پُر دارند. می‌توان گفت اینان گردانندگان اصلی جامعه آکادمیک کتابداری ایران را تشکیل می‌دهند. عده این دسته از مدرسان متأسفانه زیاد نیست.

شاید یکی از راه‌حلهای برای برطرف کردن مشکل فوق، دروس کارورزی باشد. کارورزیها دروس مهمی هستند و می‌توانند ضمن فراهم آوردن فرصتی مناسب برای به فعل درآوردن آنچه به صورت نظری به دانشجویان آموخته شده چشم و گوش دانشجویان را در محیط کار باز کنند و او را با سازمان کار و کتابخانه آشنا سازند. تعداد دروس کارورزی (۴ درس) و تعداد واحدهای آن (۱۴ واحد) هم، به نظر کافی و حتی بیش از حد لزوم می‌آید. پس مشکل در کجاست؟ مشکل همان گونه که تجربه نیز نشان داده در محتوا و نحوه اجرای این دروس است. اغلب دانشجویانی که برای گذراندن دروس کارورزی به کتابخانه‌ها معرفی می‌شوند از اینکه کارهای عقب افتاده و اغلب پیش‌پا افتاده مثل ثبت کتابها در دفتر



اموال یا جابه‌جایی کتابها را بر آنها تحمیل کرده‌اند شکایت دارند. محتوا و نحوه اجرای این دروس باید مورد تجدید نظر قرار گیرد، کتابخانه‌هایی که دانشجوی کارورز بدانها معرفی می‌شود باید کتابخانه‌هایی فعال و جدی باشند، کتابدارانی که دانشجویان کارورز زیر نظر آنان کار می‌کنند باید افرادی دلسوز و مسئولیت‌پذیر باشند، قبلاً نسبت به ماهیت دروس کارورزی توجیه شوند، و آنها را دروسی واحد پرکن تلقی نکنند.

در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری مسئله ارائه خدمات

شرط دوم معلّمی را می‌توان قدرت بیان ذکر کرد که در اصل مکمل شرط اول است. معلّمی که به این دو شرط مجهّز باشد بدون تردید در کارش موفق خواهد بود. ولی علمی که نتوان آن را به علت نبود قدرت بیان اشاعه داد و منتقل نمود و بیانی که بی محتوا باشد کار به جایی نخواهد برد. پیچیده‌ترین مسائل علمی را می‌توان با شیوایی بیان به شنونده القا نمود. مدرّسان این رشته خطیب نیستند و دوره نطق و خطابه هم ندیده‌اند و در عین حال اکثریت قریب به اتفاق آنان در سایه تجربیات ذیقیمتشان در کار خود موفق هستند.

مطلب دیگر اینکه عده‌ای از مدرّسان این رشته قبل از ورود به آن در زمینه‌های دیگری مشغول به کار بوده‌اند و بعدها به لحاظ عشق به معلّمی و به رشته کتابداری جذب تدریس در این رشته شده‌اند. بنابراین، عده کثیری از مدرّسان، اعم از اینکه بلافاصله پس از فراغ از تحصیل یا سالها بعد از آن و از حوزه‌های دیگر وارد این رشته شده باشند چیزی درباره آموزش نمی‌دانند و دوره‌ای به نام روش تدریس ندیده و نگذرانده‌اند و در نتیجه از روشهای تدریس مطلع نیستند. تنها شاید فرد یا افرادی که قبلاً آموزگار و یا دبیر بوده و بعداً به این رشته آمده‌اند از این روشها آگاهی داشته باشند. بنابراین، پیشنهاد می‌کنم دوره‌های کوتاه مدت روشهای تدریس تشکیل شده و مدرّسان جدید قبل از اشتغال به تدریس (و مدرّسان قدیمی در صورت تمایل) در این دوره شرکت جویند.

از اهمیت نکته دیگری هم نباید غافل بود و آن اینکه ماهیت این رشته ایجاب می‌کند که علم و عمل با هم تلفیق شوند. روی همین اصل، مدرّسانی که قبل از شروع به تدریس در کتابخانه‌ای سابقه کار مفید داشته و عملاً درگیر کار کتابداری بوده‌اند در کار تدریس هم موفق‌ترند. اینان زیر و بم کار را مخصوصاً در مورد دروس عملی به خوبی می‌دانند و به ظرایف و دقایق و کاربرد مسائل نظری در عمل آگاه‌ترند. به همین جهت شاید بهتر این باشد که مدرّسان کتابداری در کنار تدریس این رشته، در کتابخانه‌ای هم کار عملی انجام دهند یا پس از هر چند سال تدریس، مدتی هم در کتابخانه عملاً کار کنند.

۳۰۴. پاسخ به سؤال ۳ مستلزم انجام یک تحقیق جامع در کتابخانه‌های مراکز و دانشگاههایی است که رشته کتابداری در آنها تدریس می‌شود. قدر مسلم اینکه کتابخانه‌های ۳۰ مؤسسه آموزشی مستقر در شهر تهران هیچ یک در حد استانداردهای بین‌المللی نیست<sup>۶</sup> تا به خوبی جوابگوی نیازهای دانشجویان رشته‌های مختلف از جمله رشته کتابداری نیز باشند. با این حساب کتابخانه‌های مراکز

آموزشی شهرستانها نیز گمان نمی‌رود بهتر از آنهايي باشند که در تهران مستقرند. به هر حال، وجود آزمایشگاههای کتابداری در کلیه دانشکده‌ها و مراکزی که این رشته در آنها تدریس می‌شود از ضروریات است. بسیاری از دروس تخصصی بویژه آنهایی که جزو دروس عملی هستند به ابزار کار و منابع خاصی نیاز دارند که تدریس آنها بدون وجود منابع مربوطه غیرمقدور است. از جمله این ابزارها طرحهای مختلف رده‌بندیها، سرعنوانهای موضوعی، منابع مراجعه فارسی و لاتین از همه نوع، انواع مختلف منابع غیر کتابی از مواد سمعی و بصری گرفته تا دیسکهای کامپیوتری، از ماشینهای تهیه میکروفورمها گرفته تا پایانه‌های کامپیوتری... همه و همه باید در آزمایشگاه کتابداری جمع آوری شود تا دانشجویان از آن به عنوان کارگاه استفاده کنند.

جا دارد در اینجا از کتاب درسی هم به عنوان منبع مورد لزوم، ولی نه اجتناب‌ناپذیر، برای آموزش دانشجویان این رشته نام ببریم. اگرچه برای این رشته هیچ کتاب درسی به معنی انحصار آن، تا کنون تألیف و تدوین نشده ولی ضرورت آن در روند آموزش غیرقابل انکار است و می‌تواند روند آموزش را آسان سازد. بخصوص که دانشجویان ما، بویژه دانشجویان جدیدالورود، با یادداشت برداری در سر کلاس درس مأنوس



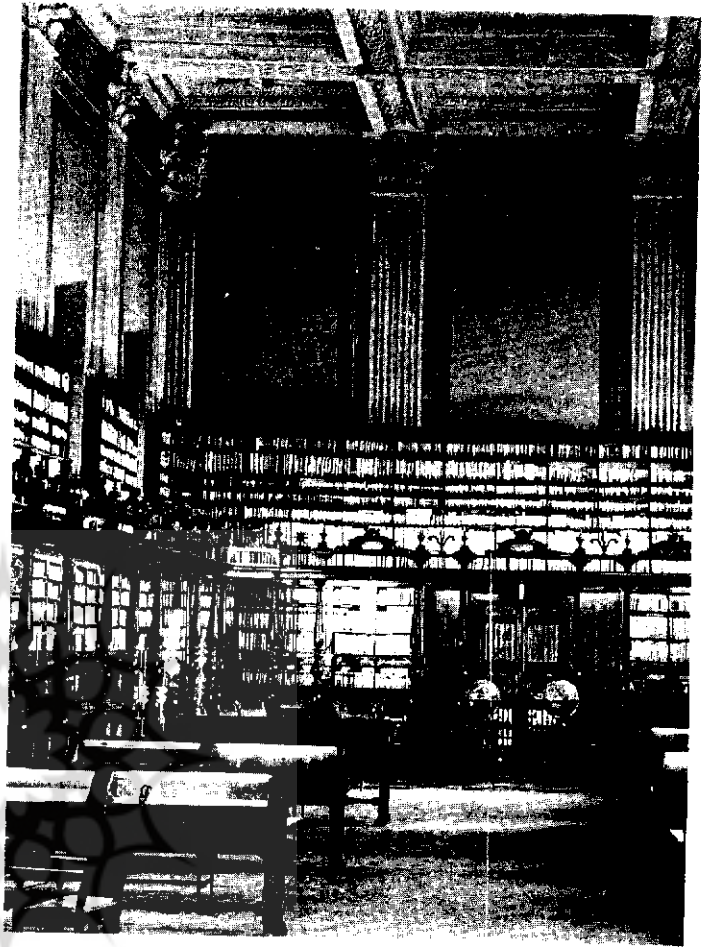


منابع کتابداری هم بخشی از منابع کتابخانه‌های آن دانشکده‌ها را تشکیل خواهد داد و سیاست مجموعه‌سازی و تدارک ابزار مورد نیاز در رشته کتابداری بستگی به بسیاری عوامل، از جمله مقبولیت این رشته و مدرسان و دانشجویان آن در بین مسئولان دانشکده‌های مربوط خواهد داشت.

۶. در حال حاضر گروه‌های کتابداری در دانشگاه‌های مختلف عمدتاً وابسته به دانشکده‌هایی مانند علوم تربیتی یا ادبیات و علوم انسانی هستند. ارجح این بود که گروه‌های کتابداری به دانشکده کتابداری تبدیل شوند، و این البته شرایط زمانی و مکانی خاصی را می‌طلبد.<sup>۷</sup> در هر حال، این گروه کتابداری وابسته به این یا آن دانشکده باشد مهم نیست. مهم آن است که گروه در سازمان مادر از مقبولیت لازم برخوردار بوده و به چشم فرزند ناتنی بدان نگریسته نشود، بلکه در همه موارد از تخصیص اعتبارات گرفته تا امکانات رفاهی استادان و از بودجه خرید کتاب و سایر منابع گرفته تا در اختیار گذاشتن فرصت‌های مطالعاتی، هیچ‌گونه تبعیضی در بین نباشد و در تقسیم مسئولیت‌های کلیدی دانشکده، گروه کتابداری را همان‌گونه ببینند که سایر گروه‌های موجود در دانشکده را می‌بینند.

۷. رشته کتابداری مثل رشته‌های پزشکی، مهندسی، دبیری، ادبیات و غیره در جامعه ما شناخته شده نیست و کمتر کسی از نوع کار، مسئولیت‌ها، ارزش شغلی، حقوق و مزایا و سایر مشخصات آن با اطلاع است. از طرف دیگر، آن دسته از جوانان فارغ التحصیل دبیرستانی که توان پذیرفته شدن در رشته‌های برجسته دانشگاهی را نداشته و در عین حال می‌خواهند به هر ترتیبی شده وارد دوره‌های تحصیلات عالی دانشگاهی شوند، رشته کتابداری را از جمله آخرین رشته‌های انتخابی خود در کنکورهای سراسری انتخاب می‌کنند. و به همین لحاظ است که بعضی از آنها پس از ورود به رشته و آگاهی از چند و چون آن، که علایق و خواسته‌های خود را در آن منعکس نمی‌بینند در همان اوایل کار تغییر رشته می‌دهند یا ترک تحصیل می‌کنند. اگر هم ادامه تحصیل می‌دهند و فارغ التحصیل می‌شوند، در کتابخانه‌ها مشغول به کار نمی‌شوند. یا اگر مشغول به کار شوند به پیشرفت این حرفه کمک نمی‌کنند و نمی‌توانند بکنند.

برای ورود به این رشته باید مقرراتی خاص و استانداردهایی در سطح بالا برای صلاحیتها در نظر گرفت. مثلاً همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره رفت یکی از نیازمندیهای ادامه تحصیل در این رشته آشنایی کافی به زبان انگلیسی است. چرا در گزینش دانشجویان برای این رشته ضریب این درس را بالا نمی‌گیرند تا دانشجویان همان ابتدا با سود کافی



نیستند و انتظار دارند که همه چیز برایشان دیکته شود. در عین حال، چنانچه کتابی به عنوان کتاب درسی تدوین شد و در اختیار دانشجویان قرار گرفت نباید چنین تصور شود که همه مطالب در آن کتاب به طور کامل و جامع آمده و می‌تواند نیازهای آن درس را در حد کفایت برآورده سازد. این است که با کتاب درسی در سطح دانشگاه با احتیاط باید رفتار کرد.

متأسفانه اغلب اتفاق می‌افتد که اگر تصمیم گرفته می‌شود این رشته یا هر رشته دیگری برای اولین بار در یک دانشگاه یا هر مؤسسه آموزشی دیگری دایر شود کتابدار و کتابخانه آن سازمان از این امر بی‌خبر است و خود را برای کمک به آغاز و پیشبرد آموزش آن آماده نکرده است و تازه بعد از شروع رشته است که اندک اندک منابع مربوط فراهم‌آوری می‌شود. از طرف دیگر رشته کتابداری در هیچ دانشگاهی در قالب دانشکده‌ای مستقل تدریس نمی‌شود، بلکه در تمام دانشگاه‌ها این رشته به صورت گروهی از گروه‌های وابسته به این یا آن دانشکده است. در چنین شرایطی طبیعی است که





نفع هیچ یک از گروهها نبوده و باعث تکروی است، و تکروی در هیچ حال مقبول نیست و در مجموع به ضرر حرفه تمام می شود.

سازمان یا انجمنی وجود ندارد که این گروهها را به هم نزدیک کرده به آنها تشکل ببخشد و فعالیتهای آنها را منسجم کند که این تشکل در نهایت به نفع حرفه کتابداری خواهد بود.

جای نشریه ای که بتواند به منزله تریبون گروههای آموزشی این رشته عمل کند نیز خالی است. نتیجه اینکه اعضای گروهها از اخبار مربوط به یکدیگر بی خبرند. اگر دوره جدیدی تشکیل می شود، اگر فرد جدیدی وارد یکی از گروهها می شود یا فرد دیگری بازنشسته می گردد، به سفر مطالعاتی می رود، ارتقاء می یابد... اگر کتابی در دست تألیف یا ترجمه است، اگر سخنرانی یا دفاع از رساله هست... اخباری است که بعد از آنکه کهنه شد به گوش افراد ذینفع می رسد، خلاصه اینکه اطلاع رسانی که حرفه کتابداران است، در بین اهل حرفه ضعیف و ناقص انجام می گیرد. لازمه همه اینها و خیلی چیزهای دیگر، تشکیل و راه اندازی انجمنهای کتابداری است.

۱۰. مشکلی در این رابطه احساس نمی کنم. همان گونه که ما آنها را به عنوان همکار قبول داریم آنها نیز ما را به چشم همکار نگاه می کنند. ذکر یک نکته در این خصوص لازم است و آن اینکه چون در اغلب دانشکده هایی که رشته کتابداری در آنها وجود دارد اداره کتابخانه دانشکده (و حتی کتابخانه مرکزی دانشگاه) به عهده گروه کتابداری است یا حداقل در رأس کتابخانه، یکی از اعضای هیئت علمی این گروه قرار دارد.

در زبان انگلیسی وارد این رشته شود؟ در این صورت می توان تعدادی از واحدهای انگلیسی او را در طول دوران تحصیل کاهش داد و در عوض به تعداد واحدهای دروس تخصصی دیگر افزود. یا چرا معرفی کافی از این رشته در دفترچه های کنکور به عمل نمی آید تا داوطلب با آگاهی کافی آن را انتخاب کند؟ تنها در این صورت است که دانشجوی پس از ورود به رشته ترک تحصیل یا تغییر رشته نخواهد داشت و جای فرد واجد شرایط دیگری در کلاسهای درس خالی نخواهد ماند و نهایتاً اینکه برنامه ریزیهای انجام شده جهت تأمین نیروهای متخصص کتابخانه ها به نتیجه خواهد رسید.

اگر هدف همان است که گفته شد حتی می توان در قبال آموزشی که ارائه می شود جهت خدمت در کتابخانه ها از دانشجوی تعهد گرفت و از پذیرش دانشجویان شاغل در استخدام رسمی سازمانها و وزارتخانه ها، که اغلب در مقطع کارشناسی ارشد مشاهده می شود و صرفاً به منظور اخذ مدرک و برای استفاده از مزایای قانونی آن وارد این رشته می شوند جلوگیری کرد.

۸. مقاطع مختلف تحصیلی، از کاردانی گرفته تا دکتری، علی الاصول بر مبنای مطالعات و ارزیابیها از وضعیت نیازهای جامعه تدوین و راه اندازی می شود. برنامه ریزی برای این مقاطع در دراز مدت، نیروی انسانی لازم برای اشتغال در کتابخانه ها و مراکز اسناد و غیره را فراهم آورده در عین حال راهی نیز برای تأمین نیروی انسانی اعضای هیئت علمی دانشگاهها باز می کند. در صورتی که برنامه های کوتاه مدت آموزشی به منظور پاسخگویی سریع به نیازهای جامعه که در مقطع زمانی خاصی بوجود آمده و می آید تنظیم و اجرا می گردد. در کشور ما هر دو نوع برنامه ریزی لازم و ضروری است، و براساس همین ضرورت، برنامه های کوتاه و بلند مدت دانشگاهی و سازمانی از گذشته تا کنون وجود داشته است.

اگر مسئولان برنامه ریزی و جذب دانشجوی برای دانشگاهها، مطالعات نظام یافته و مستمری از نیازهای کشور داشته و به موقع از نیازهای آموزشی کشور آگاه شوند قادر خواهند بود برنامه ریزی دقیقی برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز انجام داده و با تربیت و ورود به موقع نیروهای کارآموده به بازار کار، سازمانهای دیگر را از راه اندازی تشکیلات عریض و طویل آموزشی بی نیاز سازند.

۹. گروههای آموزشی رشته کتابداری در دانشگاههای مختلف کشور متأسفانه از هم بیگانه اند، از فعالیتهای یکدیگر بی خبرند، با یکدیگر همکاری ندارند، و اگر هم دارند به صورت سازمانی عمل نمی کنند. این بیگانگی و بی خبری به



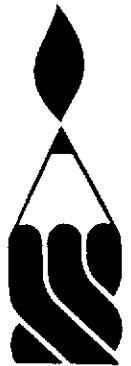


ارزش کار ما برای سایر گروهها در کارهای آکادمیک ملموس تر است. اگر کتابخانه خوب اداره شود و نیازهای علمی گروههای همجوار را به خوبی پاسخگو باشد قضاوت آنان نسبت به کتابخانه و کتابداری و در نتیجه گروه کتابداری مثبت و در غیر این صورت منفی خواهد بود.

۱۱. فارغ التحصیلان ما بعد از آنکه در جایی مشغول به کار می شوند نمی توانند خود را در محیط کار مطرح کنند، ارزش کار خود را نشان دهند و حمایت مسئولان سازمان مادر را جلب کرده برای کتابخانه و کتابداری حامی و طرفدار پیدا کنند. فارغ التحصیلان ما عمدتاً در کارها و خدمات فنی کتابخانه و کتابداری مهارت لازم را کسب می کنند ولی از نظر تبلیغ و معرفی کتابخانه خود، خدماتی که کتابخانه می تواند به جامعه استفاده کننده برساند و به طور کلی در ایجاد روابط عمومی ضعیف هستند.

ضعف دیگری که در ارتباط با آموخته های فارغ التحصیلان این رشته قابل ذکر است در ارتباط با پدیده جدید تکنولوژی اطلاعات است. متخصصین کامپیوتر در بازار کار با تکیه بر تواناییهای کامپیوتر در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی رخنه کرده اند و نزدیک است که کار را از دست کتابداران بر بایند. در صورتی که کامپیوتر انباری است که می تواند کار کتابداری و اطلاع رسانی را سهولت و سرعت و بهبود بخشد. اطلاعات کتابداران در زمینه عمل آوری اطلاعات و کاربرد کامپیوتر در کتابخانه ها باید به اندازه ای باشد که افرادی خارج از این حوزه نتوانند در آن صاحب نظر باشند. بنابراین، آموخته های دانشجویان کتابداری باید در این زمینه تقویت شود.

۱۲. تاریخ جوامع نشان داده است که هرگاه آرامش و ثبات سیاسی و اقتصادی نسبی در جامعه ای حکمفرما بوده توجه به وضع آموزش و فرهنگ و در نتیجه کتابخانه ها از اولویت بیشتری برخوردار شده است. کشور ما اینک بعد از پشت سر گذاشتن هشت سال جنگ تحمیلی و برنامه پنجساله اول توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می رود تا در مسائل فرهنگی و آموزشی نیز سرمایه گذاری کند. جامعه از این لحاظ در حال دگرگونی عمیقی است و مسائل مربوط به کتابخانه ها هم جدا از این مقوله نیست. اخبار روزانه مطبوعات همه روزه حاکی از احداث و افتتاح ساختمان کتابخانه، راه اندازی نمایشگاه کتاب، خرید کتاب برای کتابخانه ها، استخدام کتابدار، افتتاح دوره های آموزش کتابداری و غیره است. این روند به طور قطع در برنامه پنجساله اول سرعت بیشتری خواهد گرفت. هم اکنون که تور داغ است، مسئولان برنامه ریزی آموزشی برای رشته کتابداری



باید از فرصت استفاده کرده با انجام بررسی و مطالعات دقیق و برآورد نیازها، حداقل برای پنج سال آینده برنامه ریزی کنند. با تجدید نظر در تعداد واحدهای درسی، برنامه درسی، نوع و محتوای دروس، باید این رشته را برای پاسخگویی به نیازهای در حال دگرگونی جامعه آماده ساخت. برای بهبود کیفیت آموزش، سطح بالایی از استانداردها را برای ورود به این رشته و ادامه تحصیل و اشتغال به کار باید تعیین کرد و به کار برد. و همین خود موجب کسب ارزش و اعتبار و امتیازات معنوی برای این حرفه و شاغلین آن خواهد شد. داوطلبان ورود به این رشته باید با شناخت و علاقه و با داشتن تواناییها و استعداد های سطح بالا وارد این رشته شوند، نه صرفاً برای ورود به دانشگاه. به مسائل و مشکلات خانوادگی، شخصی و عاطفی دانشجویان باید توجه داشت ولی اجازه نداد بعضی از آنان از این توجهات سوء استفاده کرده به حرفه لطمه بزنند. مدرسان این رشته برای اعتلا و عزت حرفه کتابداری باید بیشتر از پیش زحمت بکشند، مربیان جوان برای گذراندن دوره های بالا تر مخصوصاً در کشورهای پیشرفته از نظر کتابداری اعزام شوند و همه اعضای هیئت علمی فرصتهای مطالعاتی داشته باشد، در کنفرانسها و گردهماییهای داخلی و خارجی به راحتی شرکت کنند و اطلاعات خود را بالا ببرند، و بالاخره منسجم بوده و تشکل داشته باشند.

#### نویسحات:

۱. نقل از مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کاردانی کتابداری مصوب ۶۱/۱۲/۲۱ ستاد انقلاب فرهنگی، ص ۴.
۲. همان، ص ۵.
۳. نقل از مشخصات کلی برنامه و سرفصلهای دروس دوره کارشناسی کتابداری مصوب ۱۳۶۹/۸/۶ شورای عالی برنامه ریزی، ص ۶.
۴. همان، ص ۷.
۵. یکی از دلایل عمده برای این که هشت واحد زبان انگلیسی کارساز نیست این است که اکثر دانشجویان با پایه ای ضعیف در زبان انگلیسی وارد دانشگاه می شوند.
۶. محمود حقیقی، «ارزیابی مجموعه کتابخانه های دانشگاهی شهر تهران»، پیام کتابخانه، سال سوم، شماره اول (بهار ۱۳۷۲)، ص ۱۸-۳۶.
۷. طرح تبدیل گروه کتابداری به دانشکده کتابداری و اطلاع رسانی هم اکنون در دانشگاه علوم تربیتی دانشگاه تهران در دست بررسی است.